



خاموشی در سکوت
قاسم مهرنیا درگذشت



دیگر آبی نمانده
اصفهان فقط ۴۵ روز آب دارد



دردسر پژمان
شایعه‌ای که خبر شد



معمار اصلاحات
درباره شهیدسیدمحمد بهشتی



بازگشت رادیکالیسم

سعید شریعتی و غلامعلی رجایی
در گفت‌وگو با سازندگی
از نقش تندروها در تحریک جامعه سخن گفتند



یادداشت روز

آئین امید

گامی مؤثر به سوی توسعه و دیپلماسی اقتصادی



حسینعلی امیری

استاددار فارس

فارس، این سرزمین نور و نغمه، دیار فرهنگ و فرزانیگی این بار درخشش خود را در آئینه دیپلماسی و تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی به نمایش گذاشت. شیراز اکسپو ۲۰۲۵ نه‌تنها بزرگ‌ترین رویداد اقتصادی و نمایشگاهی جنوب کشور بود بلکه نشانی از امید، خرد و اراده جمعی برای ساختن آینده‌ای درخشان‌تر برای فارس و ایران شد. این رویداد بزرگ که با حضور بیش از ۱۵۷ شرکت تولیدی، فناوری و دانش‌بنیان از سراسر کشور و نیز شمار قابل توجهی از سرمایه‌گذاران خارجی برگزار شد، فرصتی بود برای بازنمایی ظرفیت‌های متنوع استان فارس در عرصه‌های صنعت، کشاورزی، گردشگری، فناوری و صادرات. محصول مبارک این رویداد، امضای ۶۰ تفاهم‌نامه و قرارداد همکاری به ارزش حدود ۳ میلیارد دلار است؛ قراردادهایی که حاصل گفت‌وگو، اعتماد و همکاری میان دولت، بخش خصوصی و جامعه کارآفرینان و فعالان اقتصادی بود.

علاوه بر این، جلسات متعددی با بخش‌های مختلف وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی برای تسهیل و رفع موانع تولید همچنین ۱۴ نشست تخصصی و هم‌اندیشی اقتصادی با حضور صاحب‌نظران و مدیران ملی و استانی برگزار شد؛ نشست‌هایی که از دل آن، راهکارهایی برای تقویت زنجیره‌های ارزش، تسهیل صادرات غیرنفتی، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و ارتقای جایگاه فناوری در ساختار اقتصادی استان حاصل گردید.

پیش از آنکه این اعداد و آمار جلوه‌ای از انجام کاری بزرگ باشد، نشانه‌ی تحول فرهنگی است: تحول در نگاه ساکنان فارس به توسعه، در واقع، شیراز اکسپو نشان داد که اقتصاد فارس می‌تواند بر پایه «دانش»، «اعتماد» و «همکاری» به افقی تازه دست یابد؛ افقی که در آن، دولت و بخش خصوصی نه در تقابل بلکه در تکمیل یکدیگر حرکت می‌کنند.

فارس امروز، دیگر تنها سرزمین فرهنگ، هنر، ادب و اندیشه نیست؛ بلکه دروازه تازه‌ای برای تجارت، فناوری و سرمایه‌گذاری در ایران است. حضور شرکت‌های بزرگ در حوزه انرژی، صنایع غذایی، داروسازی، ماشین‌آلات، کشاورزی هوشمند و فناوری‌های نوین، گواهی است بر اینکه فارس می‌تواند - و شایسته است - که محور توسعه در جنوب کشور باشد.

از سویی دیگر، میزهای تعامل با نمایندگان کشورهای منطقه و فعالان اقتصادی حوزه خلیج فارس و آسیای میانه در حاشیه شیراز اکسپو، دریچه‌ای تازه برای دیپلماسی اقتصادی در فارس گشود. فارس حالا وارد دورانی تازه شده است؛ دوره‌ای که بی‌شک در مسیر تعامل سازنده با بازارهای منطقه‌ای گام نهاده و بستر همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های صادرات محصولات کشاورزی، گردشگری سلامت و فناوری را فراهم کرده است. این همه اما آغاز راه است. ما باور داریم در آغاز راهی سخت اما مبارک هستیم؛ این تکلیف حتمی ماست که این دستاوردها را از سطح تفاهم‌نامه به مرحله عمل برسانیم؛ قراردادهای به پروژه، ایده‌ها را به فرصت و فرصت‌ها را به اشتغال و رفاه پایدار تبدیل کنیم. در این مسیر، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، تسهیل مجوزها، تقویت زیرساخت‌های صنعتی و حمل‌ونقلی و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در صدر برنامه‌های ما قرار دارد.

شیراز اکسپو ۲۰۲۵ بیش از هر چیز، آئین امید بود؛ امید به اینکه فارس با تکیه بر دانش، سرمایه انسانی و میراث فرهنگی خویش در منظومه پیشرفت ایران بدرخشد. اینک از دل این تجربه درخشان، فصلی نو در تاریخ توسعه فارس گشوده شده است: فصلی که در آن، «امید»، «عمل» و «باور به فردا» سرود مشترک همه ما خواهد بود.

در پایان از همه مدیران، کارشناسان، فعالان اقتصادی، دانشگاهیان، اصحاب رسانه و مردمان شریف فارس که با تلاش، همدلی و باور به آینده، این ایده را به عمل بدل ساختند، صمیمانه قدردانی می‌کنم.

تاجر ژاپن

برای اولین بار در نظام مردسالارانه ژاپن، یک زن به نخست‌وزیری رسید

سانائۀ تاکایچی ۶۴ ساله، خود را پیرو مارگارت تاجر خوانده است

زنی که با ذهنی نظم‌گرا، نگاهی محافظه‌کار و زبانی بی‌پروا، روح ملی، اعتقاد به خانواده و مسئولیت تاریخی را ترویج می‌کند و معتقد به دولت کوچک اما مقتدر است



روزی که سانائۀ تاکایچی

با کت سرمه‌ای و لبخندی

خوشتن‌دار در برابر مجلس

ژاپن ایستاد و به عنوان



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

نخستین زن در تاریخ این کشور سوگند یاد کرد، بسیاری از تحلیل‌گران گفتند: «ژاپن، بانوی آهنین خود را پیدا کرده است». تشبیه آسانی است؛ او خودش بارها گفته که از مارگارت تاجر الهام گرفته. اما در پس این شباهت ظاهری، نوعی بازآفرینی محافظه‌کاری قرن بیستم در قلب آسیای مدرن نهفته است. چراکه او نخستین زنی است که در کشوری با سنت‌های مردسالارانه به بالاترین مقام اجرایی رسیده است. سانائۀ تاکایچی ۶۴ ساله نه از اشراف سیاسی برخاسته و نه از خاندان‌های قدیمی حزب لیبرال دموکرات. مادرش افسر پلیس بود و پدرش کارگر یک کارخانه خودروسازی. او در دهه ۱۹۸۰ زمانی که اقتصاد ژاپن در اوج بود به سیاست علاقه‌مند شد و از همان دوران دانشجویی تحت تأثیر اندیشه‌های تاجر قرار گرفت؛ زنی که از خاستگاه طبقه متوسط به بالاترین جایگاه قدرت در بریتانیا رسید. برخلاف بسیاری از سیاستمداران حزبی از خانواده‌ای سیاسی یا ثروتمند نبود. او با تلاش فراوان وارد دانشگاه معتبر کوبه شد و با کار نیمه‌وقت، هزینه تحصیل و رفت‌وآمد طولانی‌اش را تأمین کرد.

ادامه در صفحه ۳



سال هشتم شماره ۲۰۹۴
پنج‌شنبه اول آبان ۱۴۰۴



بررسی رویدادهای سیاسی

دیدگاه: یادداشت سیاسی

خوش‌بینی در برابر واقعیت

نقدی بر ادعای ۷۰ درصدی
مخاطبان صدا و سیما

معصومه احمدپور

روزنامه‌نگار

پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما، روز گذشته در حاشیه جلسه هیأت دولت همچون سال‌های گذشته از «آمار بالای ۷۰ درصدی مخاطبان تلویزیون» گفت و تأکید کرد که نتایج نظرسنجی مربوط به میزان بینندگان رسانه ملی منتشر خواهد شد. او همچنین در توضیح بیشتر گفت: «بر اساس ماده ۷۷ برنامه هفتم اگر بخواهیم همه تکالیف صداوسیما را انجام بدهیم، بودجه فعلی کفاف تولیدات را نمی‌دهد»!

این اولین بار نیست که رئیس سازمان صداوسیما از درصد بالای بینندگان این رسانه می‌گوید؛ او سال گذشته هم در اظهاراتی مشابه گفته بود: «مرکز تحقیقات صداوسیما با سابقه ۵۰ سال فعالیت، به‌صورت علمی و دائمی در حال سنجش افکار عمومی است و نتایج آن نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد مردم بیننده تلویزیون هستند. تعجب‌آور است که برخی از این واقعیت ناراحت می‌شوند».

اما در بیرون از دیوارهای جام جم، شواهد و تجربه زیسته مردم چیز دیگری می‌گوید. نگاهی به روند تحولات رسانه‌ای در سال‌های اخیر نشان می‌دهد نسبت مردم با تلویزیون دیگر شباهتی به دهه‌های گذشته ندارد. در خانه‌های امروز، رمبوت کنترل تلویزیون بیشتر به‌کار روشن کردن پلنفرم‌های اینترنتی، شبکه‌های خارجی و سرویس‌های نمایش خانگی می‌آید تا تماشاى شبکه‌های داخلی. نسل جوان‌تر که عملاً با تلویزیون ملی قطع ارتباط کرده، میان‌سالان و سالمندان هم اغلب به‌طور گزینشی و گذرا برنامه‌های خاصی را دنبال می‌کنند.

اما وقتی رئیس سازمان صداوسیما از بالای ۷۰ درصد مخاطب صحبت می‌کند، اولین سوالی که به ذهن می‌رسد، این است که این آمار بر چه مبنایی محاسبه شده و جامعه‌آماری آن چقدر نماینده واقعی جامعه ایران است؟ مرکز تحقیقات صداوسیما، نهادی زیرمجموعه همان سازمان است که نتایجش به‌صورت داخلی تولید و منتشر می‌شود و طبیعتاً استقلال نداشتن آن، پرسش‌هایی جدی درباره اعتبار داده‌هایش ایجاد می‌کند. در حالی که مؤسسات مستقل نظرسنجی در سال‌های گذشته- از ایسپا گرفته تا مراکز دانشگاهی- تصویری متفاوت از عادت‌های رسانه‌ای مردم ارائه داده‌اند؛ تصاویری که حکایت از کاهش مستمر اعتماد و علاقه به برنامه‌های تلویزیون دارد. در واقع، آنچه امروز مردم در گفت‌وگوهای روزمره و فضای مجازی بازگو می‌کنند، به جای رضایت از کیفیت برنامه‌ها، نوعی بی‌تفاوتی یا دل‌زدگی از تلویزیون است. بنابراین نگاه رسمی مبتنی بر نتایج درون‌سازمانی با این تجربه عمومی در تضاد آشکار است.

همین خوش‌بینی و فاصله گرفتن از واقعیت هم سبب شده که در دو دهه گذشته، صداوسیما به جای بازنگری در شیوه روایت و زبان ارتباطی خود، مسیر انزوا را طی کند. سانسور گسترده، یک‌سویه‌گویی و تکرار مضامین تبلیغاتی نیز باعث شده، اعتبار برنامه‌های خبری و تحلیلی به‌شدت کاهش پیدا کند. حتی سربال‌ها که زمانی پر مخاطب‌ترین بخش تلویزیون بودند به دلیل ضعف فیلمنامه، محدودیت سوزدها و ممیزی‌های بی‌پایان، دیگر توان رقابت با پلنفرم‌های اینترنتی را ندارند. در همین حال، شبکه‌های اجتماعی با سرعتی حیرت‌انگیز در حال جذب همان مخاطبانی هستند که تلویزیون از دست داده است. بنابراین در چنین شرایطی، اعلام رقم ۷۰ درصد بیننده برای تلویزیون نه فقط غیرواقعی بلکه به نوعی بی‌اعتنایی به داده‌های موجود و تجربه عمومی است.

بخش دیگر سخنان جبلی درباره کسری بودجه صداوسیما هم قابل تأمل است. او می‌گوید که برای انجام تکالیف قانونی صدا و سیما، بودجه فعلی پاسخ‌گو نیست. این در حالی است که همین سازمان در سال‌های اخیر یکی از پرهزینه‌ترین نهادهای دولتی بوده و سهم قابل توجهی از منابع عمومی را به خود اختصاص داده است. بسیاری از منتقدان معتقدند که این تأکید بر «مخاطب بالا» هم تلاشی است برای مشروعیت‌بخشی به همین بودجه و جلوگیری از انتقادات احتمالی درباره ناکارآمدی مالی این سازمان. بنابراین به نظر می‌رسد، ارائه آمار خوش‌بینانه به کار تداوم وضع موجود می‌آید و رقمی است که نه برای اصلاح بلکه برای توجیه هزینه‌ها و حفظ چهره مدیریتی، ساخته و بازتولید می‌شود. واقعیت آن است که رسانه ملی، در شکل کنونی‌اش، نه ملی است و نه رسانه؛ و بحران مخاطب، تنها یکی از نشانه‌های بحران عمیق‌تر آن یعنی بحران اعتماد است. صداوسیما، اگر می‌خواهد همچنان رسانه ملی باقی بماند به جای تکرار آمارهای خوش‌بینانه و به دور از واقعیت باید به آینده‌ای از جامعه تبدیل شود؛ جامعه‌ای که امروز به وضوح، دیگر صدایش از قاب تلویزیون شنیده نمی‌شود.

بازگشت رادیکالیسم

سعید شریعتی و غلامعلی رجایی در گفت‌وگو با سازندگی از نقش تندروها در تحریک جامعه سخن گفتند



عاطفه شمس

گروه سیاسی

در هفته‌های اخیر، همزمان با افزایش تنش‌های دیپلماتیک به ویژه پس از فعال شدن مکانیسم ماشه به نظر می‌رسد که طیف اصولگرایان تندرو به شکل محسوسی فعال‌تر شده‌اند؛ از انتشار مواضع تند علیه دولت گرفته تا طرح‌های بحث‌برانگیز در مجلس درباره حجاب، گشت ارشاد، کنترل فضای مجازی و حتی فشار بر وزرا، نشانه‌های تازه‌ای از شکاف‌های درونی در میان نیروهایی که تا چندی پیش در موضع هم‌سویی کامل با یکدیگر بودند نیز دیده می‌شود. این شکاف در کنار افزایش طرح‌های پرتنش در مجلس و رسانه‌های نزدیک به جناح راست، این سوال را مطرح می‌کند که آیا جریان اصولگرایی

تندرو پس از فعال شدن مکانیسم ماشه در عرصه بین‌المللی در داخل کشور تجدید قوا کرده است؟

مجتبی زارعی، نماینده مجلس، اخیراً در توییتی کم‌سابقه از حمید رسایی، چهره جنجالی جریان اصولگرا، او را متهم کرد که با تهمت‌زنی به نظام، رهبر انقلاب و فرماندهان شهید برای کسب رأی در انتخابات شورای شهر تهران فعالیت می‌کند. توییت تند و صریح زارعی که با زبان بی‌پرده و بی‌سابقه‌ای از درون اردوگاه اصولگرایی منتشر شد، شکاف در میان این جریان را بیش از پیش برجسته کرد. زارعی در این توییت نوشت:

«آقای رسایی! [...] لااقل اندکی شرم کن و

در برابر جمهوری اسلامی مظلوم و فرمانده شجاع کل قوا و فرماندهان شهید حوزهای دفاعی و نظامی اندازه نگه‌دار! با تهمت به نظام و آقا و فرماندهان شهید برای حزب شریان و انتخابات شورای شهر تهران، رای جمع می‌کنی؟! تهمت به حاکمیت درباره وعده‌های صادق را تماش کن! کلاهبرداری از فالورهای مظلوم و کم‌اطلاع را تماش کن! حرف آخر را می‌گویم «دهن‌لقی‌ها» را تماش کن آقای رسایی! بله! چون می‌دانی که ما نمی‌توانیم مسائل ریز و درشت نظامی کشور را پشت بلندگو جار بزنیم و تو اما با تیت کارهای انتخاباتی شورای آینده تهران از برخی سکوت‌های معنادار نظامی‌ها و اطلاعاتی‌ها، کیسه‌های رأی درست می‌کنی [...] اما چرا در این پیام سعی نداشتیم تبیین‌اش کنم و با این لحن توضیح دادم؟ چون چند بار امام خامنه‌ای و چندین بار هم فرماندهان عالی‌رتبه شهید و نیز غفّاری قوم صد‌ها بار به این لجن‌پراکنی‌های موسادپسند و آن خط لندن پاسخ دادند اما شماها دست بردار نیستید و باز هم در حال اعتبارزدایی از حاکمیت و نیروهای دفاعی و نظامی هستید!»!

ضرورت مرزبندی حاکمیت با تندروها

سعید شریعتی، فعال سیاسی و عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت ایران اسلامی در پاسخ به پرسش گزارش سازندگی می‌گوید که «جریان‌های افراطی بدون درک شرایط عمومی کشور، خواستار تحقق حداکثری اهداف و دیدگاه‌های خود در جامعه هستند». او معتقد است که «وقتی با اعمال فشارهای بین‌المللی به طور کلی کشور در موضع ضعف قرار می‌گیرد، آنها نیز فرصت را غنیمت می‌شمارند تا فشارها را بر دولت و جامعه افزایش دهند».

او با بیان اینکه شرایط کنونی برای ایران، شرایط خوبی نیست و آستانه تحریک جامعه بسیار پایین است، می‌گوید: «این به این معنی است که با اندک تکانه‌ای، آن انسجام و همدلی که اصلی‌ترین عنصر مقاومت جامعه در برابر فشارهای خارجی بوده دچار شکندگی می‌شود و به نظر می‌رسد، جریان‌های افراطی بدون درک درست از شرایط جامعه این فرصت را مغتنم شمرده‌اند که فشارهای خود را افزایش دهند». او دلیل عدم برخورد حاکمیت با آنها را در پر سروصدا اما بی‌عمل بودن آنها می‌داند و ادامه می‌دهد: «از آنجا که هنوز اقدام عملی مشخصی از سوی این جریان‌ها مشاهده نشده و فعالیت آنها عمدتاً در حد اعلام موضع، اعمال فشار و فضا‌سازی رسانه‌ای باقی مانده است، دلیلی برای مواجهه حاکمیت با آنها وجود ندارد». او می‌گوید: «گرچه برخی از نمایندگان مجلس، تربیون اصلی طرح مباحث و مواضع آنها در ساختار حکومت هستند اما تاکنون اقدام مؤثری از سوی آنها برای تغییر شرایط پس از روی کار آمدن دولت آقای پزشکیان صورت نگرفته است».

شریعتی تأکید می‌کند که «اگر وارد فاز اقدام و عمل شوند،

آن وقت نهادهای عالی حکومت حتماً باید تدبیر کنند». او به قانون عفاف و حجاب اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «برای نمونه در موضوع قانون عفاف و حجاب-که اساساً در قانونی بودن آن نیز تردیدهایی وجود داشت اما به هر حال برای تبدیل شدن به قانون، ترکیبات و تنظیمات ظاهری را طی کرده بود- به تشخیص درست رئیس‌جمهور و تأیید شورای امنیت ملی، اجرای آن متوقف و عملاً «کان‌لم‌پکن» شد. چراکه با درک درست از وضعیت امنیتی جامعه، شکاف‌های اجتماعی و حساسیت‌ها و در پرتو تجربه وقایع سال ۱۴۰۱ و پس از آن، نهادهای تصمیم‌گیر به‌درستی دریافتند که این قانون هیچ ظرفیت اجرایی ندارد و اجرای آن می‌تواند، موجب تشدید تنش و آشفتگی در جامعه شود؛ لذا مانع اجرای آن شدند».

این فعال سیاسی اصلاح طلب معتقد است که «در شرایط فعلی هم اگر قرار باشد، اقدام دیگری از سوی جریان‌های افراطی



صورت بگیرد با توجه به سابه جنگ و احتمال تکرار حملات نظامی به اهداف داخلی کشور قطعاً با واکنش و برخورد جدی مواجه خواهند شد». او می‌گوید که «با این حال، تربیون‌های آنها باز است و در این حد، حاکمیت به آنها فرصت و مجال می‌دهد که نظرات خود را بیان کنند؛ گرچه در همین حد هم باعث تحریک جامعه می‌شوند». شریعتی در پایان تأکید می‌کند که حاکمیت باید بتواند، مرز خود را از این تربیون‌های رسمی که گاه موجب التهاب فضای عمومی می‌شوند، جدا نگه دارد.

برنامه تندروها برای آینده

غلامعلی رجایی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، معتقد است: «در حال حاضر تندروها ظرفیتی برای هجمه‌های خود علیه برخی شخصیت‌ها، به‌خصوص ظریف و روحانی، پیدا کرده‌اند. ظریف باعث رفتن پزشکیان به پاستور شد و توقع می‌رفت که آقای پزشکیان را عراقچی، جواب لا‌وروف را بدهند و ظریف را در مقابل ضربات او تنها نگذارند. البته خود آقای ظریف گفته بود: «از خجالت لا‌وروف بیرون می‌آیم و ناگفتنی‌هایی را خواهم گفت». به نظر می‌رسد، ظریف دارد تاوان آن را می‌دهد و پیش‌بینی من این است که حملات به او ادامه خواهد داشت و آنها ادعاهای سخنی را دوباره مطرح می‌کنند؛ ازپس دادن سکه‌ها تا بحث محاکمه روحانی و ... قبلاً هم اگر خاطراتان باشد، در دوره‌ای کاریکاتور او را با لباس زندان می‌کشیدند».

او ادامه می‌دهد: «تحركات تندروها نشان می‌دهد آنها فقط به دست‌انویزی که برای فرزندان ظریف داشتند- و ایشان هم در آن تقصیری نداشت چراکه آنها قبل از مسئولیت ظریف به دلیل متولد شدن در آنجا تبعه آنجا شدند- دلخوش نیستند. اینکه چرا سراغ سایر دولتمردان نرفته‌اند یا اینکه شرایطی مشابه دکتر ظریف داشتند، تأیید می‌کند که آنها با دو نفر بر سر جدال جدی هستند و رویکردشان هم انتخاباتی است. آنها تلاش می‌کنند با این اقدامات، زمینه‌ای برای دامنه حرکت خود ایجاد کنند و هر وقت فرصت پیش بیاید با قوه قضاییه رایزنی می‌کنند: «چرا شما وارد نمی‌شوید؟ اینها خیانت کردند و دروغ گفتند» و حتی فراتر هم می‌روند. من در جایی حضور داشتم و شاهد بودم که آقای غضنفری، نماینده تدروری مجلس، صریحاً ادعا می‌کرد که روحانی آدم آی‌سی‌سی‌کس است. یعنی اینها پرده‌ها را کاملاً دریده‌اند و متأسفانه قوه قضاییه با اینکه اینها را می‌شنود، اقدامی نشان نمی‌دهد. آقای اژه‌ای باید همان‌گونه که مدام در تلویزیون نطق می‌کند، مانع این اجحاف‌ها و بی‌انصافی‌ها شود».

رجایی معتقد است: «اینها یک نفس تازه کرده‌اند و احساس می‌کنند که روحانی و ظریف در موضع ضعف قرار دارند؛ حالا که «پایان برجام» و بحث «اسنپ‌بک» مطرح شده، هم فرصت خوبی است برای تسویه حساب با آنها. وگرنه آنها بهتر می‌دانند که آقای ظریف هیچ کاری را با تصمیم

شخصی انجام نمی‌داد. به نظر من رهبری خیلی با گروه‌های افراطی مماشات می‌کند. در حال حاضر دولت در وزن و اندازه‌ای نیست که بتواند به آنها تشر بزند؛ کما اینکه دیدیم، آقای پزشکیان می‌توانست با رهبری صحبت کند و ظریف را نگه دارد اما این کار را نکرد؛ بسا اینکه معتقدم رهبری در این قضیه قطعاً حرف آقای پزشکیان را می‌پذیرفت. موارد متعددی بوده که با حکم حکومتی و هر چیزی که اسمش را بگذارید این اتفاق افتاده است».

او ادامه می‌دهد: «سؤال این است که چرا قوه قضاییه و دیگران فقط ظریف را گیر آورده‌اند. عده‌ای دیگر از دولتمردان فعلی دقیقاً همین مشکل را دارند که من نمی‌خواهم به آن وارد شوم. به نظر می‌رسد، برخورد با تندروها نه از قوه قضاییه برمی‌آید- چون ما هیچ خروجی‌ای ندیدیم- نه از دولت. حتی در ماجرابی که اخیراً در ارتباط با آقای شمخانی، دبیر سابق شورای امنیت ملی، ایجاد شد، قوه قضاییه کوتاهی کرد. فارغ از عملکرد آقای شمخانی از آنجا که از ایشان به‌عنوان «مشاور رهبری» نام برده می‌شود، قسوه قضاییه باید پیگیری می‌کرد و منتشرکنندگان این فیلم را شناسایی و بسا آنها برخورد می‌کرد؛ چراکه این ماجرا حمله به کلیت نظام بود اما هیچ واکنشی از سوی این قوه ندیدیم».

رجایی تأکید می‌کند: «جریان افراطی، اگر اولاً بسا تهیب و اختطار رهبری مواجه نشود و دوماً اگر قوه قضاییه در مواردی که بی‌انصافی و اجحاف وجود دارد، وارد نشود، منظورم از «افراط» فقط جبهه پایداری نیست، گمان می‌کنم، احتمال رادیکال‌تر شدن اینها نسبت به این دو عنصر وجود دارد. حسن روحانی از این جهت در معرض حمله است که تصور می‌کنند ممکن است، گزینه رهبری باشد و به همین دلیل هم عده‌ای می‌گویند باید او را بدون هیچ عذری از خبرگان بیرون کرد، در حالی که پخته‌تر از ایشان در خبرگان نداریم و ظریف از آن جهت که ممکن است دوباره لب باز کند و بتواند با ذکاوت و هوشمندی خود، افکار عمومی را به سمت خود متمایل کند و پزشکیان یا شخص دیگری را روانه پاستور کند».

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب با بیان اینکه تندروها برای دولت آینده برنامه دارند، می‌گوید: «من فکر می‌کنم ممکن است تلاش کنند با دو- سه کش پزشکیان را خسته کنند و او را از ورود به پاستور باز دارند. ممکن است دامنه رفتارهایشان به افراد دیگری هم کشیده شود که فعلاً در حاشیه هستند؛ ممکن است این دیگران مهدی کروبی، حسن خمینی، ناطق‌نوری یا خاتمی باشند و حمله به آنها را هم در برنامه داشته باشند اما هنوز مصلحت نمی‌بینند که همزمان با چندین نفر درگیر شوند. در حال حاضر هم «اسنپ‌بک» و پایان برجام، فرصت خوبی برای حمله به ظریف و روحانی است».

دولت در سایه فشارهای داخلی

فضای ملتهبی که تندروها به‌ویژه پس از اسنپ‌بک موجب شده‌اند، سبب شده رئیس‌جمهور در هفته‌های اخیر بارها تأکید کند که «از اختلافات داخلی پیش از تهدید خارجی می‌ترسد». اشاره‌ای که به‌درستی نشان می‌دهد، بخشی از انرژی دولت به جای مواجهه با بحران‌های واقعی، صرف مهار تنش‌های سیاسی درون‌جناحی شده است. از نگاه برخی ناظران این وضعیت بیش از هر چیز به ضرر حاکمیت است. اختلافات مکرر در سطوح بالا، بی‌اعتمادی عمومی را تشدید می‌کند و توان حاکمیت برای یکپارچگی در تصمیم‌گیری را کاهش می‌دهد. تندروها با حمله به اشخاص و برنامه‌های دولت و ارائه طرح‌های تشدیدکننده حساسیت جامعه، به‌ظاهر در پی صیانت از ارزش‌ها هستند اما در عمل، پایه‌های کارآمدی و ثبات را تضعیف می‌کنند.

هرچند اصولگرایان تندرو امروز توانسته‌اند در فضای رسانه‌ای و اجتماعی برتحرك ظاهر شوند اما از منظر تشکیلاتی، انسجام پیشین را ندارند. برخلاف دهه ۸۰ امروز با مجموعه‌ای از چهره‌های فردی، گروه‌های کوچک و صفحات پرطرفدار مجازی مواجه‌ایم که در فقدان ساختار حزبی منسجم صرفاً با شعارهای مشترک عمل می‌کنند. تحلیلگران سیاسی این وضعیت را «پوپولیسم ارزشی» می‌نامند؛ جریانی که از ناراضیاتی عمومی تغذیه می‌کند و با زبان انقلابی، خود را بن‌بدیل همه ساختارهای موجود معرفی می‌کند و در چنین شرایطی، هر بحران داخلی یا خارجی، به‌ویژه تنش‌های ناشی از تحریم یا مکانیسم ماشه می‌تواند، بهانه‌ای برای تحرک بیشتر این طیف باشد.

مأموریت در تل آویو

معاونان رئیس‌جمهور آمریکا در اسرائیل

گروه بین‌الملل: در حالی که نوار غزه هنوز درگیر تبعات سنگین جنگ ویرانگر سال گذشته است، صحنه سیاسی خاورمیانه بار دیگر با تحرک تازه‌ای از سوی واشنگتن و تل‌آویو روبه‌رو شده است. سفر جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا به اسرائیل به همراه استیو ویتکاف، فرستاده ویژه ترامپ در امور خاورمیانه و جرد کوشنر، داماد رئیس‌جمهور نشانه‌ای از آغاز مرحله‌ای تازه در روند اجرای آتش‌بس ۱۰ اکتبر به شمار می‌رود؛ آتش‌بسی که اکنون بیش از هر زمان دیگر نیازمند اعتمادسازی و ثبات سیاسی است.

در نخستین ساعات سفر ونس، بازگشت پیکر دو گروگان اسرائیلی از غزه به خاک اسرائیل، نمادی از شکنندگی این آرامش و در عین حال نشانه‌ای از تداوم مذاکرات غیرعلنی میان دو طرف بود. صلیب سرخ اعلام کرد، اجساد آریه زالمانوویچ و تمیر آدار تحویل نیروهای اسرائیلی شده است؛ اتفاقی که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های عبری و آمریکایی داشت. خانواده‌های گروگان‌ها نیز با تجمع در برابر نمایندگی آمریکا در تل‌آویو از واشنگتن خواستند فشار بیشتری بر حماس وارد کند تا روند بازگرداندن پیکر قربانیان سرعت گیرد.

جی‌دی ونس در جریان سفر خود ضمن بازدید از مرکز

همکاری‌های نظامی و مدنی در اسرائیل، فضای کنونی منطقه را «بهرتر از انتظار» توصیف کرد اما هشدار داد که دوام آتش‌بس بدون «تعهد واقعی همه طرف‌ها» ممکن نخواهد بود. در نشست خبری نیز ونس با تکرار مواضع سنتی واشنگتن علیه تهران مدعی شد: «ما خواستار پیشرفت ایران هستیم اما ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد. تمام مسیرهای دیپلماتیک برای جلوگیری از آن فعال است». او همچنین احتمال اعزام نیروهای زمینی آمریکا به غزه را رد کرد و گفت: «ما ساختاری منعطف برای آینده غزه در نظر گرفته‌ایم که متناسب با واقعیت‌های میدانی عمل کند».

در گفت‌وگوهای او با مقامات اسرائیلی، محور اصلی بر آینده سیاسی غزه متمرکز بود. ونس تأکید کرد که شرط هرگونه صلح پایدار، «خلع سلاح کامل حماس» است. او گفت: «ممکن است برای برخی اعضای حماس، نوعی عفو در نظر گرفته شود اما اجازه بازگشت به خشونت داده نخواهد شد. همان‌گونه که رئیس‌جمهور ترامپ گفته، اگر همکاری نباشد، حماس نابود می‌شود».

در ادامه سفر، معاون رئیس‌جمهور آمریکا با بنیامین نتانیاهو دیدار کرد. نتانیاهو در این دیدار مدعی شد که اسرائیل

ادامه تیتربک

تاجر ژاپن

او در دوران دانشگاه، نوازنده درامز در یک گروه موسیقی بود. تاکاچی طرفدار هوی متال و از گروه‌هایی چون «دپ پرپل» و «آیرن میدن» به‌عنوان علاقه‌های موسیقایی خود یاد کرده است. او حتی یک بار در تلویزیون ملی آهنگی را اجرا کرد و همچنان علاقه شدیدی به موتورسیکلت و خودرو دارد. تاکاچی از همان آغاز در حزب لیبرال‌دموکرات، راه خود را از دیگران جدا کرد. او نه پوپولیست است و نه اصلاح‌طلب نرم‌خو. زنی است با ذهنی نظم‌گرا، نگاهی محافظه‌کارانه و زبانی بی‌پروا. در کابینه‌های پیشین، از جمله در دولت شینزو آبه، به عنوان وزیر امور داخلی سپس وزیر امنیت اقتصادی به سختگیری و دقت شهرت داشت.

مارگارت تاجر، نخست‌وزیر بریتانیا از ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰ نه‌تنها اقتصاد کشورش را تغییر داد بلکه الگوی تازه‌ای از سیاست‌ورزی محافظه‌کارانه پدید آورد که بعدتر در آمریکا، اروپای شرقی و اکنون در شرق آسیا پژواک یافت. تاجر در برابر اتحادیه‌های کارگری ایستاد، خصوصی‌سازی را به‌عنوان ستون اصلی بازسازی اقتصادی در دهه ۱۹۸۰ پیش برد و با جسارت گفت: «جامعه وجود ندارد، تنها افراد هستند». تاجر برای بسیاری از زنان سیاستمدار پس از خود، نماد قدرت و تصمیم‌گیری شد؛ زنی که نشان داد، می‌توان در دنیای مردانه حکومت کرد بی‌آنکه از قاطعیت کاست. تاکاچی نیز بی‌برده می‌گوید که تاجر را «الگوی رهبری عقلانی و زنانه» می‌داند.

تاکاچی همانند تاجر، بر سه محور اصلی تکیه دارد: اول دولت مقتدر اما کوچک در اقتصاد. او خواهان کاهش مالیات‌ها و در عین حال افزایش بهره‌وری در بخش عمومی است. دوم میهن‌دوستی صریح. در کشوری که خاطره جنگ جهانی هنوز حساسیت‌برانگیز است، تاکاچی از بازخوانی گذشته ژاپن ابایی ندارد و بر «غرور ملی» تأکید می‌کند و رسوم نقش‌فعال‌تر ژاپن در جهان. او معتقد است که ژاپن باید از سلیه دیپلماسی محتاطانه پس از جنگ بیرون بیاید و حضوری مستقل‌تر در صحنه جهانی داشته باشد، چیزی که یادآور شعار تاجر در دوران جنگ فالكلند است: «ما از قدرت خود شرم‌نده نیستیم». در حوزه اقتصادی، تاکاچی از سیاست‌های آبه دفاع کرده اما بر خلاف بسیاری از تکنوکرات‌های ژاپنی مایل است نقش بانک مرکزی را در تزریق پول به بازار تقویت کند؛ سیاستی که ترکیبی از کی‌نزیسم عمل‌گرایانه و تاجر‌یسم اقتدارگراست. او همچنین مخالف مهاجرت و حتی گردشگران خارجی است و خواستار محدودیت خرید املاک توسط غیرژاپنی‌هاست.

در کنار سیاست‌های اقتصادی، تاکاچی دیدگاه‌های اجتماعی محافظه‌کارانه‌ای دارد. او مخالف ازدواج هم‌جنس‌گرایان است، با حفظ نام خانوادگی زنان پس از ازدواج مخالفت کرده و از بازنگری در تاریخ جنگ جهانی دوم حمایت می‌کند. این مواضع، او را به چهره‌ای محبوب در میان راست‌گرایان ژاپنی بدل کرده است. اما آنچه او را از بسیاری از محافظه‌کاران متمایز می‌کند، توانایی‌اش در ترکیب

سنت‌های ژاپنی با زبان مدرن سیاست است. او در سخنرانی‌هایش از مفاهیمی چون «روح ملی»، «نظم خانوادگی» و «مسئولیت تاریخی» استفاده می‌کند، بی‌آنکه از تکنولوژی، نوآوری و رقابت جهانی غافل شود. دیدگاه‌های تاکاچی درباره مسائل جنسیتی پیچیده است. او به‌عنوان یک فمینیست شناخته نمی‌شود و مانند دیگر زنان محافظه‌کار در عرصه سیاست از جمله مارگارت تاجر و جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا از سیاست‌هایی حمایت کرده که منتقدان می‌گویند به تضعیف حقوق زنان منجر شده است.

تاکاچی هرگز از زن بودنش به عنوان ابزار تبلیغاتی استفاده نکرده است. او بارها گفته که «زن بودن نه امتیاز است، نه مانع؛ بلکه بخشی از واقعیت من است». این نگاه، برخلاف بسیاری از سیاستمداران زن، او را از شعارهای فمینیستی دور کرده و به سوی واقع‌گرایی سوق داده است. او در مصاحبه‌ای گفته بود: «من نمی‌خواهم نخست‌وزیر زن باشم؛ من می‌خواهم نخست‌وزیری باشم که زن است». این جمله شاید خلاصه‌ای باشد از فلسفه سیاسی او: ترکیب هویت شخصی با مسئولیت عمومی، بدون قربانی کردن هیچ‌کدام.

اگرچه برخی فعالان، پژوهشگران و سیاستمداران نگران‌اند که دوران نخست‌وزیری تاکاچی تغییر چشمگیری برای زنان ژاپنی به همراه نداشته باشد اما واقعیت این است که نخست‌وزیری او نه‌تنها یک دستاورد تاریخی برای زنان ژاپن محسوب می‌شود بلکه نمادی از تغییر مسیر سیاسی کشور نیز به‌شمار می‌آید. حزب لیبرال‌دموکرات در سال‌های اخیر میان دو جریان اصلی در کشمکش بوده است: جناح عمل‌گرای اقتصادی و جناح محافظه‌کار ملی‌گرا. تاکاچی بی‌تردید به جناح دوم تعلق دارد و از تقویت نیروهای دفاعی، اصلاح قانون اساسی صلح‌طلب ژاپن و گسترش همکاری‌های راهبردی با ایالات متحده حمایت می‌کند. در عین حال، او برخلاف چهره‌های خشن جناح راست، تصویری مادرانه و خونسرد از خود ارائه می‌دهد. ترکیبی از لیخندهای کنترل‌شده و باورهای تند. شاید به همین دلیل، رسانه‌های ژاپنی لقب «بانوی آهنین» را به او داده‌اند؛ نه فقط به خاطر اقتدار بلکه به خاطر ظرافتی که اقتدارش را پنهان می‌کند.

با اقدامات نظامی خود «حماس را به آستانه تسلیم» رسانده است و ادعاهای وابستگی اسرائیل به آمریکا را «چرند» خوانند. در مقابل، ونس گفت که واشنگتن به‌دنبال تحمیل اراده خود نیست بلکه خواهان «شراکتی برابر» است. او تصریح کرد: «ما متحدی می‌خواهیم که در کنار ما بایستد، نه زیر پرچم ما». ادعای نتانیاهو در حالی مطرح می‌شود که او اخیراً دعوی لفظی شدیدی با یانیر لاپید، رهبر مخالفان در پارلمان داشت. نتانیاهو در این مجادله، لاپید را به تسلیم شدن (در برابر دشمنان اسرائیل) متهم کرد در حالی که لاپید هم تأکید کرد، نتانیاهو فقط حرف‌های توخالی زده و خبری از عمل در او نیست. در همین حال استیو ویتکاف، فرستاده ویژه ترامپ، آتش‌بس جاری را «فراتر از انتظار» دانست



با وجود آنکه تاکاچی اولین زن در رأس دولت ژاپن است، انتظار نمی‌رود سیاست‌های او در جهت برابری جنسیتی باشد. او با ازدواج هم‌جنس‌گرایان مخالف است و از نظام سلطنتی مردسالار حمایت می‌کند. با این حال درباره سلامت زنان و چالش‌های شخصی‌اش در دوران یانسگی و نابروری صریح سخن گفته است. او ناپدری سه فرزند و مادر بزرگ چهار نوه است. مارگارت تاجر زمانی گفته بود: «هبران برای محبوب بودن نمی‌آیند، برای تغییر می‌آیند». سانانه تاکاچی نیز ظاهراً همین را در ذهن دارد. او با صراحت اعلام کرده که «دوران ملاحظه‌کاری ژاپن» به پایان رسیده است. در کشوری که هنوز برابری جنسیتی در سیاست رؤیایی دوردست است، حضور او در رأس دولت نه فقط شکستن یک سقف شیشه‌ای بلکه لرزاندن ستون‌های سنت است. ژاپن، کشوری با ساختارهای بروکراتیک پیچیده، جمعیتی رو به پیری و اقتصادی درگیر رکود، نیازمند دگرگونی است. تاکاچی، با الهام از تاجر، می‌خواهد این دگرگونی را از بالا آغاز کند. با اصلاحات اقتصادی، بازتعریف نقش دولت و احیای روحیه ملی. اما چالش‌های او کم نیستند. جناح‌های لیبرال، اتحادیه‌های کارگری و فعالان حقوق بشر با بسیاری از دیدگاه‌های او مخالف‌اند. همچنین ساختار حزبی ژاپن به گونه‌ای است که نخست‌وزیر باید دائماً میان مصالحه و اقتدار، تعادل برقرار کند. در عین حال محبوبیت او در میان نسل‌های جوان‌تر به دلیل صداقت، صراحت وشفافیتش رو به افزایش است. او نه‌تنها سیاستمدار است بلکه نماد تداوم و تغییر است؛ کسی که میان سنت‌های ژاپن و این دستاورد تاریخی در رهبری، توازن برقرار کرده است.

اما آیا او تاجر دیگری خواهد شد؟ هنوز زود است. تاجر در دوران رکود و بحران، اقتصاد بریتانیا را هرچند با هزینه‌های اجتماعی سنگین دگرگون کرد. تاکاچی باید با جمعیتی سالخورده، رشد اقتصادی نزدیک به صفر و روابط پیچیده با چین و آمریکا دست‌وپنجه نرم کند. اگر بتواند در این میدان پر از تضادها تعادل برقرار کند شاید روزی تاریخ بنویسد که «در قرن بیست‌ویکم، تاجر‌یسم از لندن به توکیو رسید».

اروپا

نفوذیدار رهبران آمریکا و روسیه

ترامپ: نمی‌خواستم این دیدار هدر برود!

دونالد ترامپ اعلام کرد که دیدار با ولادیمیر پوتین را لغو کرده است زیرا نمی‌خواسته این ملاقات «هدر» برود. ترامپ دوشنبه ۲۰ اکتبر از طرح پیشنهادی اوکراین و رهبران اروپایی برای آتش‌بس استقبال کرد: «من گفتم در خط نبرد متوقف شوید، به خانه بروید، جنگ را تمام کنید، کشتار را متوقف کنید». رئیس‌جمهور آمریکا پیش‌تر گفته بود، ظرف دو هفته در بوداپست مجارستان با همتای روس خود دیدار خواهد کرد اما اختلاف‌های اساسی میان آمریکا و روسیه درباره پایان جنگ اوکراین، امید به برگزاری این نشست را کاهش داده است.

پیش‌تر یک مقام کاخ سفید گفته بود که در آینده نزدیک، برنامه‌ای برای دیدار ترامپ و پوتین وجود ندارد. قرار بود این هفته نشست مقدماتی میان مارکو رویو، وزیر خارجه آمریکا و سرگئی لاوروف، همتای روس او، برگزار شود اما کاخ سفید اعلام کرد که گفت‌وگوی «سازنده‌ای» میان دو طرف انجام شده و برگزاری نشست حضوری ضروری نیست. ترامپ و پوتین آخرین بار در ماه آگوست در آلاسکا ملاقات کردند؛ دیداری که نتیجه ملموسی نداشت و برخی تحلیلگران معتقدند، تعویق نشست جدید برای پرهیز از تجربه مشابه آن جلسه است. سخنگوی کرملین، دیمیتری پسکوف، درباره تأخیر در برگزاری نشست گفت که چنین تصمیمی نیاز به مداخله در بالاترین سطح دارد اما برای آن باید آماده شد. او افزود که در حال حاضر هیچ برنامه‌ای برای گفت‌وگوی تلفنی جدید میان پوتین و ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان، وجود ندارد و زمان‌بندی دیدار پوتین و ترامپ هنوز مشخص نیست. پسکوف همچنین تأکید کرد که هیچ‌یک از دو رئیس‌جمهور، قصد هدر دادن وقت را ندارند و دیدار آنها تمایل مشترک است. وی به جنگ اوکراین اشاره کرد و گفت، روسیه بارها موضع خود را درباره حل و فصل بحران بیان کرده است و مبانی این مواضع به‌وضوح توسط پوتین تدوین شده‌اند. پسکوف در پایان اعلام کرد که پوتین قصد دارد با رئیس ستاد کل ارتش روسیه دیدار کند و جزئیات این نشست توسط کرملین ارائه خواهد شد.



ویرتین: تازه‌های نشر

طوفانی از طنز

پل بی‌تی در رمان نمک به حرام

به نقد نژادپرستی سیستماتیک در آمریکا می‌پردازد



طه‌حسین فراهانی

روزنامه‌نگار



رمان «نمک به حرام» اثر پل بی‌تی یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های ادبیات معاصر آمریکاست که با استفاده از طنز، پارودی و اغراق، به بررسی ساختارهای نژادی و اجتماعی ایالات متحده می‌پردازد. این اثر که سال ۲۰۱۵ منتشر شد به تازگی با ترجمهٔ محمدرضا ترک‌تباری توسط نشر مان کتاب منتشر شده است. این کتاب توانست، توجه گسترده‌ای از سوی منتقدان و مخاطبان ادبی را به خود جلب کند و به واسطه جسارت در بیان مسائل حساس نژادی، جایزهٔ «من بوکر» را در سال ۲۰۱۶ به خود اختصاص دهد. علت اصلی اعطای این جایزه، ترکیب شجاعت در بیان مسائل نژادی، طنز و پارودی پیچیده و تحلیل اجتماعی دقیق است. هیأت داوران من بوکر، رمان را اثری «بسیار نادر که طنز را به شکلی استاندارد با نقد عمیق جامعه معاصر آمریکا ترکیب کرده است» توصیف کردند. این جایزه برای بی‌تی اهمیت ویژه‌ای داشت زیرا او نخستین نویسنده آمریکایی بود که موفق به دریافت من بوکر شد. پل بی‌تی، سال ۱۹۶۲ در لس‌آنجلس متولد شد و در محیط شهری و پرچالش غرب لس‌آنجلس رشد یافت. تجربه‌های شخصی او، به ویژه مواجهه با تبعیض و فضای شهری خاص لس‌آنجلس، در شکل‌گیری دیدگاه‌های اجتماعی و ادبی او نقش عمده‌ای داشته‌اند. بی‌تی پس از تحصیل در رشتهٔ روان‌شناسی و دریافت مدرک نویسندگی خلاق، فعالیت خود را با شعر آغاز کرد و در کافه شعر «نوئوریکان» و برنامه‌های تلویزیونی، آثار خود را اجرا کرد. این تجربه‌ها، توانایی او در ترکیب طنز، روایت شهری و تحلیل اجتماعی را تقویت کردند و زمینه را برای خلق رمان‌هایی چون «نمک به حرام» فراهم ساختند.

خلاصه داستان و ساختار رمان

رمان «نمک به حرام» در شهری خیالی به نام «دیکنز» در حومهٔ لس‌آنجلس جریان دارد و داستان راوی‌ای آفریقایی-آمریکایی را دنبال می‌کند که برای بازگرداندن هویت و وجود محلهٔ خود تلاش می‌کند. راوی که گاهی به او «بون‌بون» گفته می‌شود، ابتدا با فقدان پدر خود، کشته شده توسط پلیس، و محو ناگهانی شهر دیکنز مواجه است. این محو شدن، ناشی از طبقه‌بندی نژادی و اجتماعی منطقه است و باعث می‌شود، راوی تصمیم بگیرد با هر وسیله‌ای که در اختیار دارد، موجودیت شهر را بازگرداند. بون‌بون ابتدا تلاش می‌کند از طریق اقدامات نمادین و شهری، همچون نصب تابلوها و مرزبندی‌های خیابانی، توجه عمومی را به دیکنز جلب کند. وقتی این اقدامات به نتیجه نمی‌رسد، دست به اقداماتی اغراق‌آمیز و ابزورد می‌زند، از جمله تلاش برای بازگرداندن برده‌داری و جداسازی نژادی در شهر. او تابلوهایی «فقط سفیدپوستان» را بر اتوبوس‌ها نصب می‌کند، مدرسه‌ای مخصوص سفیدپوستان راه‌اندازی می‌کند و حتی برده‌ای داوطلب به نام هومینی جنکینز می‌پذیرد. این اقدامات نه تنها جنبهٔ طنز و سورنالیسم داستان را تقویت می‌کنند بلکه نقدی عمیق بر سیاست‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و تاریخی ایالات متحده ارائه می‌دهند.

ساختار رمان به گونه‌ای است که خواننده را هم‌زمان به خنده و تأمل وامی‌دارد. روایت اول شخص «بون‌بون»،

ترکیبی از طنز، پارودی و نقد اجتماعی است و نشان می‌دهد چگونه اقدامات فردی و اغراق‌آمیز می‌توانند، بازتابی از ناکامی‌ها و مشکلات ساختاری جامعه باشند. در این رمان، طنز ابزورد و اغراق‌آمیز، نه صرفاً برای سرگرمی بلکه به عنوان ابزار نقد اجتماعی به کار گرفته شده است.

تم اصلی و پیام اجتماعی

تم اصلی «نمک به حرام» نژادپرستی سیستماتیک، امتیاز سفیدپوستان، نابرابری اقتصادی و اجتماعی و بحران هویت در جامعه مدرن آمریکاست. رمان نشان می‌دهد، جامعه‌ای که خود را فراتر از نژاد معرفی می‌کند، هنوز تحت‌تأثیر تاریخ برده‌داری و تبعیض‌های نژادی است و تلاش برای نادیده گرفتن آن، تنها باعث تداوم مشکلات و بحران‌های اجتماعی می‌شود. طنز در این رمان، ابزاری برای بیان جدی‌ترین مسائل اجتماعی است. استفاده از اغراق و پارودی، تضاد میان واقعیت و آرمان را برجسته می‌کند و به خواننده امکان می‌دهد هم‌زمان با خنده به ابعاد پیچیده مسائل اجتماعی و نژادی فکر کند. به همین دلیل، منتقدان رمان را نه تنها یک اثر طنزآمیز بلکه یک تحلیل اجتماعی عمیق و فلسفی می‌دانند.

دیدگاه منتقدان درباره رمان

منتقدان ادبی، رمان «نمک به حرام» را به عنوان نمونه‌ای کم‌نظیر از طنز اجتماعی و نقد نژادی ستوده‌اند. الیزابت دانلسی در روزنامهٔ «گاردین» بی‌تی را «یکی از خنده‌دارترین نویسنده‌های آمریکا» توصیف کرده و معتقد است رمان با طنز استاندارد خود، موضوعات جدی و حساس اجتماعی را به شیوه‌ای جذاب و در عین حال تکان‌دهنده بررسی می‌کند. رنی ادو-لاژ، منتقد دیگر، رمان را «طوفانی از طنز» خوانده و نوشته است: «همه عناصر داستان متناقض و سورنال هستند اما هم‌زمان واقعی و باورپذیرند. طنز رمان، خواننده را هم به خنده و هم به تفکر وامی‌دارد.» منتقدان دیگری چون جودیت فریدریش اشاره کرده‌اند که سبک بی‌تی به ویژه برخورد او با موضوعاتی چون جداسازی نژادی، تبعیض و نابرابری اقتصادی، ابتدا ممکن است تابو به نظر برسد اما در نهایت، نقدی شجاعانه و جامع از ناتوانی جامعه در مواجهه با این مسائل ارائه می‌دهد. در مجموع، منتقدان بر این باورند که طنز، نقیضه‌گویی و اغراق در رمان، نه هدف نهایی بلکه ابزاری برای نشان دادن ناکارآمدی‌ها و تضادهای ساختاری جامعه آمریکاست. این ویژگی، رمان را از یک اثر صرفاً سرگرم‌کننده فراتر برده و به آن بعدی اجتماعی، سیاسی و فلسفی داده است.

پل بی‌تی
نمک به حرام ترجمه محمدرضا ترک‌تباری
 نمک به حرام ترجمه محمدرضا ترک‌تباری
۳۹۷ صفحه
۶۸۰ هزار تومان

نمک به حرام

پل بی‌تی
ترجمهٔ محمدرضا ترک‌تباری
نشر مان کتاب
۳۹۷ صفحه
۶۸۰ هزار تومان

قاسم مهرنیا، شاعر پیشکسوت شعر آیینی و فعال فرهنگی خراسان‌شمالی و از مؤسسان هیأت دیوانگان حسینی، به دلیل کهولت سن و بیماری، شب سه‌شنبه در ۸۰ سالگی درگذشت. مراسم تشییع این شاعر فقید امروز با حضور هنرمندان، شاعران، جمعی از مسئولان و مردم از محل سالن گلشن بجنورد به سوی آرامگاه ابدی برگزار خواهد شد.

پیرغلام اهل بیت

قاسم مهرنیا ۱۵ آذر ۱۳۲۴ در محلهٔ خاور بجنورد متولد شد. تحصیلات رسمی‌اش تا سوم راهنمایی ادامه یافت و به دلیل درگذشت زودهنگام مادر، وارد حرفه در و پنجره‌سازی شد. با این حال علاقهٔ او به مطالعه و شعر هیچگاه کم نشد و مجلات و صفحات ادبی آن زمان را دنبال می‌کرد. این شاعر پیشکسوت از دوران نوجوانی به حفظ و خواندن اشعار فارسی علاقه‌مند شد و به دلیل برخورداری از صدای خوش در هیأت‌های مذهبی به مدح و مرثیه انمه اطهار (ع) پرداخت و گاه اشعاری در مدح آنان سرود. خودش دربارهٔ چگونگی شکل‌گیری هیأت شاهزاده علی‌اصغر بجنورد گفته: «دوران جوانی که در مراسم عزاداری امام حسین(ع) نوحه‌خوانی می‌کردم؛ فردی به بنده پیشنهاد داد اگر مسئولیت هیأتی را قبول می‌کنی، منزل خود را در محل خیابان معصوم‌زاده وقف امام حسین(ع) کند؛ پس از وقف آن منزل تا چند سالی که واقف زنده بود، خود هیأت را اداره می‌کرد اما پس از فوت آن مرحوم، مسئولیت هیأت به بنده سپرده شد و در نهایت پس از گذشت چند سال به خاطر قدیمی بودن ساختمان، تخریب کردیم و حسینیه‌ای جدید به نام هیأت «شاهزاده علی‌اصغر» معروف به دیوانگان حسینی ساخته شد که ۳۰ سال می‌گذرد.» حاج قاسم مهرنیا، مداح و پیرغلام اهل بیت، مسئولیت دبیرخانهٔ شورای شعر استان خراسان شمالی، داوری چندین دوره جشنواره‌های شعر استانی، منطقه‌ای، کشوری و مولف کتاب «قطره‌ای از قلمز» بود.

سریال خارجی

درامی جاه‌طلبانه

نگاهی به سریال خاندان گینس ساخته خالق پیکي بلايندرز

فرزانه متین

گروه سينما، تئاتر و تلويزيون

سریال «خاندان گینس، درام تاریخی است که ترکیبی جذاب از دسیسه‌های خانوادگی و تنش‌های سیاسی را به صورت مدرن به نمایش گذاشته است. این سریال ۸ اپیزودی، تازه‌ترین سریال تاریخی تفلیکس به قلم «استیون نایت»، خالق سریال ماندگار «پیکي بلايندرز» است که تمامی قسمت‌های آن در ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۵ منتشر و به یکی از آثار پر بحث و پر بیننده این روزها تبدیل شده است. «خاندان گینس» با کسب نمره ۷/۵ از سایت آی‌ام‌دی‌بی نشان می‌دهد که نه تنها ارزش تماشا دارد بلکه مخاطبان با یک امپراتوری در «ایرلند» آشنا می‌شوند که شاید پیش از این اسمش را نشنیده بودند.

«آنتونی بویل»، «لویی پارتچ»، «فیون اوشی»، «امیلی فرن»، «جیمز نورتون»، «نیام مک‌کورمک»، «شیموس اوهارا» و «دانیل کالیگان» در این اثر هنرنامه‌ی می‌کنند. «گینس» یکی از پرندهای معروف نوشیدنی با طعم ایرلندی در جهان تا به اکنون است. داستان از آنجا آغاز می‌شود که «بنجامین گینس» صاحب برند «گینس» پس از مرگش همه اموال خود از جمله کارخانه نوشیدنی را به فرزندانش می‌سپارد. این اتفاقات در بستر تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایرلند و اروپا رخ می‌دهد. در سریال از یک طرف با «دوبلین» قرن نوزدهم می‌توان آشنا شد که ملی‌گرایان و آزادیخواهان با عنوان انجمن برادری (فین‌ها) می‌خواهند از زیر یوغ انگلستان خارج شوند، از سوی دیگر با فضای شهر نیویورک که ملی‌گرایان در آنجا برای خود یک مکان امن برای حمله به انگلستان تدارک دیده‌اند و از جهتی دیگر نبرد میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها. از همان سکنس آغازین «خاندان گینس»، مخاطب به جهانی برده

خاموشی در سکوت

قاسم مهرنیا شاعر پیشکسوت شعر آیینی درگذشت

نیم قرن فعالیت فرهنگی و هنری

قاسم مهرنیا در دوران خدمت سربازی نیز سروده‌هایی دربارهٔ هجران و زندگی نظامی آفرید و در سال ۱۳۴۶ با بزرگانی هم‌چون حاج کاظم تبریزی و مرحوم عارف بجنوردی آشنا شد و از آثار آن‌ها تأثیر پذیرفت. قاسم مهرنیا در قالب‌های قصیده، مثنوی و ترکیب‌بند شعر سروده اما عمدتاً به غزل و رباعی گرایش داشت. مضامین اشعار او بیشتر عرفانی است و در مناسبت‌های مختلف به سرودن اشعاری در قالب‌های مختلف پرداخته است. نیم قرن فعالیت فرهنگی و هنری او در خراسان‌شمالی، نامش را در ادبیات و فرهنگ استان ماندگار کرده است. از جمله آثار و فعالیت‌های او می‌توان به جمع‌آوری فرهنگ فولکلور شهر شامل بازی‌ها، داستان‌ها، اسم‌های مستعار و آداب و سنن محلی اشاره کرد که در نشریات مختلف منتشر شده هم‌چنین مقالات او دربارهٔ مشاهیر استان نیز به چاپ رسیده است. با درگذشت قاسم مهرنیا، صدای شاعر آیینی خراسان‌شمالی در سکوت فرو نشست و جای خالی او در ادبیات و فرهنگ استان به شدت احساس خواهد شد. مرحوم مهرنیا در طول سال‌های فعالیت هنری خود با جمع‌آوری و ثبت خاطرات و روایت‌های شفاهی مردم استان، نقش مؤثری در حفظ و انتقال میراث فرهنگی منطقه ایفا کرد.

تفاوت هیأت‌های قدیم و جدید

مهرنیا سال ۱۳۹۷ ر گفت‌گو با خبرگزاری مهر دربارهٔ این‌که نوحه‌خوانی را از چه افرادی آموخته، گفته: «نوحه‌خوانی را از اساتیدی همچون مرحوم حاج کرلایی محمد دهگاهی از نوحه‌خوان‌های فارسی و ترکی بودند، مرحوم طراقی، مرحوم خیاط‌پور، مرحوم موسوی و مرحوم زابلی آموخته‌ام.» و دربارهٔ ارتباطش با بزرگان در عرصه شعر و مداحی نیز گفته: «بیشتر با شعرای آیینی هم‌چون مرحوم ذبیح‌الله صاحب‌کار، زنده‌یاد خراسانی و قهرمانی مراوده و ارتباط داشته‌ام و در حال حاضر با محمداواد غفورزاده‌شفیق از شعرای برجستهٔ آیینی کشور ارتباط دارم. دوستان روحانی بنده که پای منبر می‌رفتم، مرحوم

می‌شود که حس تاریخی و مدرن به او القا می‌شود. موتیف‌های اصلی این سریال، جاه‌طلبی، عشق، رقابت و روابط خانوادگی است. از آنجا که «استیون نایت» سریال را ساخته اکثر تماشاگران بر این باور بودند که با یک داستان هیجانی پر از کشمکش روبه‌رو می‌شوند اما از آنجا که سریال مبتنی بر واقعیت است و «نایت» سعی کرده به وقایع کاملاً وفادار باشد، سکناس‌ها کش‌دار است، گویا پابندی به تمام وقایع برای سریال تبدیل به یک چالش شده





چهره‌ها کجا هستند؟

معاون سیما با وجود نبود چهره‌های شاخص تلویزیون از نرفتن آنها می‌گوید

برای تشویق به کتاب‌خوانی و داستان‌خوانی کردند باز هم به نتیجه نرسیدند چراکه احتمالا خود و خانواده‌های‌شان هم نمی‌توانستند، پای چنین برنامه‌هایی از فرط ضعیف بودن بنشینند. حالا تلویزیون مانده و برنامه‌ای برطرفدار که به راحتی آن را از دست داده و نمی‌تواند، جایگزینی هم برای آن داشته باشد. چراکه از مدیران فعلی برنی‌آید که چهره‌ای اندازه برنامه‌ای درباره کتاب‌خوانی و تماشاگر فرهیخته داشته باشد و تلاش‌های‌شان تا به امروز با دیواری سنگی برخورد کرده است. جالب اینجاست که برمهانی با وجود واقف بودن بر همه اینها باز هم از نرفتن چهره‌ها می‌گوید و به طور قاطع اعلام می‌کند که آنها همیشه بودند. اگر بودند، چرا هنوز نتوانستید جای خالی حتی یکی از این چهره‌ها را پر کنید؟ چندین برنامه با موضوع کشف استعدادهای تازه در استندآپ کمدی، بازیگری، طنزی و... تهیه کرد اما هیچ‌یک از آنها به گرد خندانده‌شویی که رامبد جوان در «خندوانه» ساخت، هم نمی‌رسد و مجربانش آنقدر بدقواره و بداجرا بودند که اگر استعدادی هم وارد این برنامه می‌شد، دست از پا رازتر از برنامه بیرون می‌رفت.

«عصر جدید» را که یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیونی بود، چرا نتوانستید تکرار کنید؟ اصلا احسان علیخانی که یکی از مجریان معتمد تلویزیون بود چرا به شبکه خانگی کوچ کرد. او که هم دستمزد بالایی در تلویزیون می‌گرفت و هم قدرت زیادی برای برنامه‌سازی و تجربه تازه در تلویزیون داشت، چطور حاضر به همکاری با شما نیست؟ احتمالا از نظر برمهانی او هم از جمله چهره‌هایی است که هست و از این رسانه نرفته. فقط سرش در شبکه خانگی گرم است و دیگر فرصت نمی‌کند در تلویزیون هم کار کند!

جالب اینجاست، برمهانی به خاطر نمی‌آورد که ایده ساخت سریال مدیری از سوی چه کسی ارائه شده است و در پاسخ به اینکه ایده مرد سه‌هزار چهره از سوی کدام طرفین مطرح شده، می‌گوید: «واقعاً نمی‌دانم و خیلی هم مهم نیست. شما در گعده جلسه کاری می‌نشینی یک پیشنهاد به یکی می‌دهی و طرف دیگر به شما پیشنهاد می‌دهد و در آخر نمی‌دانی چه کسی ایده را مطرح کرد. ولی حتماً ما دوست داریم که هنرمندانی مثل ایشان روی آنتن تلویزیون بیایند!»

البته چندان حرجی هم به معاون سیما نیست، وقتی ریس این سازمان می‌گوید: «طبق نظرسنجی‌ها به نظر بیش از ۷۰ درصد بیننده داریم». این درحالی است که همین دو هفته پیش طبق یک نظرسنجی و بررسی ۵ سریال اخیر تلویزیونی اعلام شد که هر کدام کمتر از ۱۰ درصد مخاطب داشته‌اند و چالش نبود مخاطب سریال‌های تازه تلویزیونی به طور جدی مطرح شد. اینطور که پیمان جبلی طبق نظرسنجی‌ها، مخاطب برنامه‌هایش را بیش از ۷۰ درصد می‌داند، مدیران شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای که پر از تبلیغات کالاهای ایرانی و فیلم‌های سینمایی هستند، می‌توانند ادعا کنند که مخاطب‌شان بیش از ۹۰ تا ۱۰۰ درصد است. چراکه تولیدکننده‌ای که به آنان تیزر خود را می‌دهد اگر با فروش مواجه نشود، حاضر به صرف هزینه برای آگهی تبلیغاتی نمی‌شود. پس جبلی بهتر است، نگاهی به باکس‌های تبلیغاتی خود و شبکه‌های ماهواره‌ای بیندازد و حداقل با مقایسه آنها به آمار تخمینی تماشاگران رسانه خود دست پیدا کند. آن وقت شاید مدیر زیردستش هم بتواند، منطقی‌تر و صادقانه‌تر ابراز نظر کند.

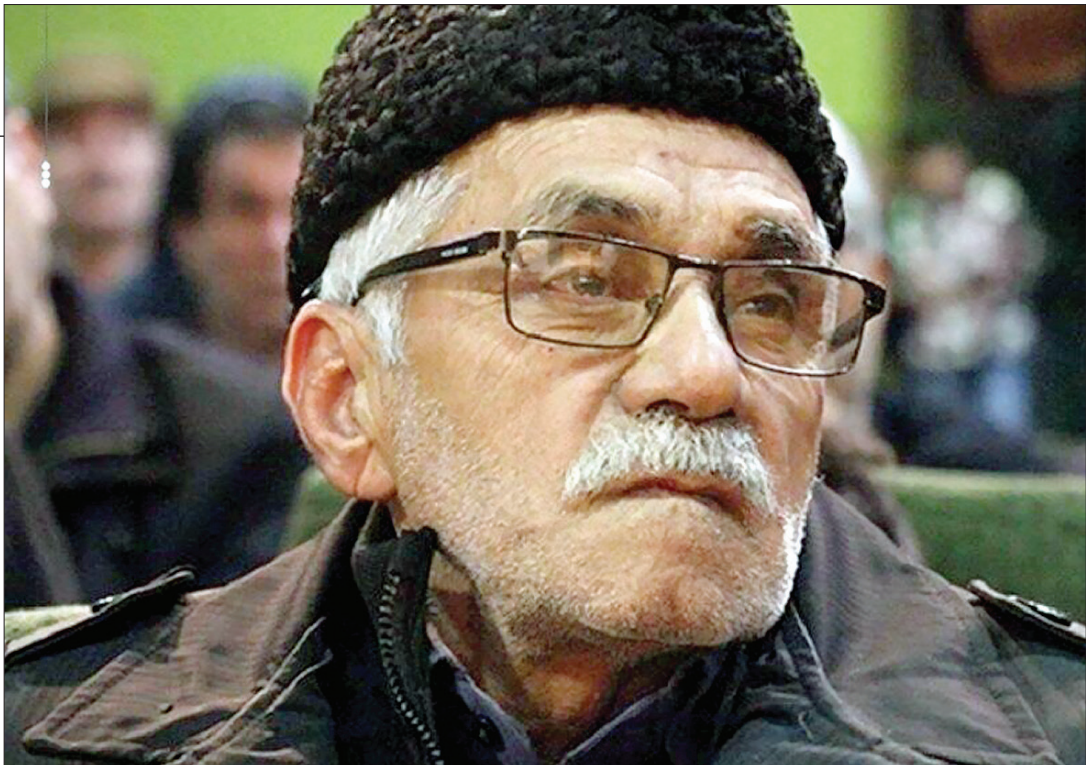
محسن برمهانی، معاون سیما روز گذشته در جشنواره فیلم کوتاه تهران حضور پیدا کرده و به تماشای فیلم‌ها نشست. او در گفت‌وگو با خبرنگاران در پاسخ به این سوال که با روند ورود مهران مدیری با دو سریال «شیش ماهه» و «مرد سه هزارچهره» دیگر هنرمندان هم بازخواهند گشت، گفته است: «من تعبیر بازگشت را قبول ندارم. چهره‌ها نرفتند که بازگردند. بازگشت چهره‌ها یعنی آنها رفتند و حالا دارند، بازمی‌گردند. همیشه بودند. سیر مذاکره سیری است که در بازه زمانی یک هفته‌ای تا ۷ ساله ممکن است، طول بکشد. یکی مثل آقای آقاخانی می‌آید، نون خ را می‌سازد که خیلی سریع انجام و پخش هم شد. آیا آقای آقاخانی رفته بود که بازگردد؟ نه کارشان را انجام می‌داد. در عین حال همین‌طور بقیه عزیزان هم اینگونه است».

معاون سیما در حالی این ادعا را مطرح می‌کند که بسیاری از چهره‌های مطرح تلویزیونی هنوز حاضر به بازگشت و همکاری با مدیران فعلی این سازمان نیستند و معلوم نیست این مدیر تلویزیونی با چه استدلالی چنین ادعایی را آن هم مقابل خبرنگار خبرگزاری فارس مطرح می‌کند. گویا مدیران مانند او فراموش کردند که تا همین سه چهار سال پیش، تلویزیون چه برنامه‌هایی را روی آنتن می‌فرستاد که بسیاری از آنها تماشاگر بالای ۵۰ درصد داشتند.

آقای برمهانی که مدعی است، چهره‌ها نرفتند بهتر است به این پرسش پاسخ دهد که چهره‌هایی مانند احسان علیخانی، سروش صحت، رامبد جوان و حتی عادل فردوسی‌پور همین حالا حاضر به همکاری با ایشان هستند و در دوران مدیریت ایشان قراردادی با تلویزیون داشتند که هنوز هم آنها را همراه این رسانه می‌داند و می‌گوید، چهره‌ها همیشه بودند؟ حتی مهران مدیری هم که چند ماه است به تلویزیون بازگشته پیش از این در شبکه خانگی فعالیت داشت و هنوز پایش به تلویزیون باز نشده بود.

سعید آقاخانی از همان ابتدا تصمیم به قطع ارتباط با تلویزیون نگرفت و ادامه سریال «نون خ» را برای این رسانه ساخت اما آیا «عصر جدید»، «کتاب‌باز»، «خندوانه» و... ادامه پیدا کرد. آیا احسان علیخانی که شهرت و محبوبیتش را مدیون رسانه ملی است، حاضر است در این دوره با مدیران سیما همکاری کند؟ رامبد جوان هم که بارها در رسانه‌های مختلف اعلام کرده که از سوی مدیران تلویزیون دعوت به همکاری شده اما خود نپذیرفته و حالا هم چند قرارداد پشت سر هم با پلتفرم‌های شبکه خانگی دارد که حداقل تا یکی دو سال دیگر نمی‌تواند، فکر بازگشت به تلویزیون را هم بکند.

سروش صحت که تمایل به همکاری با مدیران فعلی داشت به همراه تهیه‌کننده‌اش وقتی از عدم تمایل به همکاری از سوی آنان مواجه شده به شبکه خانگی رفت و حالا با خیال راحت یکی از بهترین و وزین‌ترین برنامه‌های پلتفرمی را اجرا می‌کند. او حالا بدون هیچ ترس و لرزی از فروغ، شاملو و اخوان ثالث یاد کرده و مهمانانی می‌آورد که نیاز به گرفتن چندین استعلام از حراست و بخش‌های دیگر سازمان ندارد. او به راحتی برنامه‌ای برطرفدار تلویزیونی را با طراحی دکور متفاوت و نام تازه به پلتفرم برد و در آنجا آن‌طور که دوست دارد این برنامه را اجرا می‌کند. مدیران فعلی تلویزیون هر چقدر خود را به آسمان و زمین زدند و تلاش کردند، مشابه این برنامه را تولید کنند، کاری پیش نبرده و دست خالی‌تر از قبل شدند. با اینکه هزینه‌های بسیاری صرف دکور و طراحی برنامه‌هایی



با بلندگو می‌خواند و اگر دو یا سه هیأت به یکدیگر برسند، سینه‌زن کلام مداح را متوجه نمی‌شود و بعضاً صداها بلند، بلندگوها سبب رنجش مردم م شود و متأسفانه اشعاری سبک خوانده می‌شود که در شأن اباعبدالله حسین(ع) نیست. در گذشته مانند امروز کلاس خاصی برای آموزش و جذب مداح وجود نداشت بلکه هر کسی از صدای خوشی برخوردار بود، اجازه خواندن داشت. برای مداح شدن ابتدا اشعار کوتاهی را به مداح جوان می‌دادند تا در حسینه بخواند و چنان‌چه صدای این فرد خوب بود، کم کم آیات بیشتری می‌خواند و پس از این‌که کاملاً مسلط می‌شد و می‌توانست مجلس را اداره کند به او اجازه مداحی می‌دادند. هم‌چنین تعزیه‌خوان‌ها از بین بهترین آوازه‌خوان‌ها انتخاب می‌شدند که در موسیقی مقامی تبحر داشتند. از گذشته‌های دور تا به امروز هر استان و شهرستانی برای مراسم عزاداری در ماه محرم آیین‌های خاصی دارند که فرهنگ قلمداد می‌شود به طوری که در دیگر نقاط مورد استقبال مردم قرار نمی‌گیرد. خراسان‌شمالی نیز در گذشته همچون دیگر مناطق آیین‌های خاصی همچون آیین زنجیر دیوانه را داشته که هیأت شاهزاده علی‌اصغر برگرفته از این آیین است که متأسفانه در چند سال اخیر از بین رفته است. در حال حاضر جوانان به سبب شور و هیجان‌هایی که دارند به شیوه‌های مختلف سینه می‌زنند که با گذشته کاملاً تغییر کرده است. برخی مداحان امروزی به مفهوم کلامی که بیان می‌کنند، توجهی ندارند و در واقع سنگین‌خوانی که مورد تأکید پیش‌کسوتان بوده، کم‌رنگ شده است.»

کافی و آیت‌الله راوی بودند که از سخنان آنان استفاده می‌کردم. قبل از انقلاب در ایام فاطمیه به قم سفر کردم و با آیت‌الله مرعشی، آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله وحیدی‌تبریزی دیدار داشتم که در حضور آیت‌الله وحیدی‌تبریزی، نوحه‌ای به زبان ترکی خواندم که ایشان پسندیدند و هدیه‌ای اهدا کردند همچنین با هیأت فاطمیه بنجورد سه ماه پس از انقلاب با امام خمینی(ره) دیدار داشتم، همچنین از طرف کانون مداحان کشور با مقام معظم رهبری دیدار داشته‌ایم.» و درباره سبک‌های مورد وسندس هم گفته: «شعرهای حماسی را دوست دارم، به ویژه اشعار مرحوم سراج به علت اینکه عاشق امام رضا(ع) بود و در پایان برخی از شعرهایش آرزو می‌کرد، شرایطی فراهم شود تا برای زیارت امام رضا(ع) به مشهد آید اما هیچ‌گاه به آرزوی خود نرسید.» مهربانیا درباره تفاوت هیأت‌های عزاداری امروز با هیأت‌های گذشته می‌گوید: «شیوه نوحه‌خوانی امروز با گذشته کاملاً تغییر کرده به طوری که هیأت‌ها به دو گروه تقسیم می‌شدند، گروهی زنجیرزن و گروهی سینه‌زن بودند و مداح در جایی که ضرورت داشت از چهارپایه‌ای بالا می‌رفت و پاره دو می‌داد یعنی زنجیرزن‌ها و سینه‌زن‌ها نوبتی جواب می‌دادند به این شکل که گروه زنجیرزن که این پاره دم را تمام می‌کرد گروه دیگر جواب می‌داد تا به یک تکیه یا مسجد می‌رسیدند سپس نوحه‌خوان شروع به نوحه‌خوانی می‌کرد، هم‌چنین در گذشته مداحان نوحه را سنگین می‌خواندند و مردم با شنیدن اشعار سوزناک، سینه‌ها را سنگین می‌زدند. اما امروز در تمامی هیأت‌های دسته‌روی، نوحه‌خوان

است. بیشتر اپیزودها دارای ریتمی کند و برخی از آنها دارای روندی سریع است که باعث می‌شود، داستان به ثبات کامل نرسد. از این‌رو پیرنگ اصلی نسبتاً کند پیش می‌رود و خرده‌پیرنگ‌ها در لابه‌لای آن کم و نصفه و نیمه رها می‌شوند.

«گینس بزرگ» چهار فرزند به نام‌های «آرتور»، «ادوارد»، «آن» و «بن» دارد که هر کدام از آنها برای خود، سازی متفاوت می‌زنند با این حال همیشه پشت یکدیگر هستند. «نایت» درباره روند انتخاب بازیگران می‌گوید: «برای هر نقش، بازیگرانی که نخستین انتخاب ما بودند، پذیرفتند و این اتفاق بسیار نادر است. ما توانستیم بهترین‌ها را داشته باشیم و نتیجه این شد که بازیگران واقعا روی صحنه مانند یک خانواده احساس می‌شدند». در سریال علاوه بر شبیه‌سازی روابط خانوادگی میان شخصیت‌ها، شباهت ظاهری بازیگران با افراد هم در نظر گرفته شده است. «آرتور» با بازی «آنتونی بویل» فرزند ارشد خانواده دارای ظاهری اشرافی است. او پیش از مرگ پدرش، سال‌ها در لندن زندگی می‌کرده و از منظر سیاسی، جاه‌طلب به شمار می‌رود که مشکلات شخصی وی، پاشنه آشیل‌اش محسوب می‌شود. او



درباره تجربه‌اش در این نقش می‌گوید: «احساس آزادی زیادی داشتم و استیون این آزادی را به من داد تا عناصر شخصی خود را در شخصیت آرتور وارد کنم». «ادوارد» با بازی «لوییس پاتریج» باهوش، عمل‌گرا و ایده‌آل‌گراست. او درصدد وسعت بخشیدن به امپراتوری نوشیدنی «گینس» است و به عنوان شخصیتی خلاق و نوآور در ایرلند مطرح بوده. «پاتریج» نیز در رابطه با انتخاب نقش‌اش می‌گوید: «ادوارد کاملاً با من متفاوت است و همین باعث شد به او علاقمند شوم. او فردی جدی، بلندپرواز و بسیار استراتژیک است». «بن» با بازی «فیون شی» در نقش برادر و فرزند کوچک‌تر «گینس» همیشه نادیده گرفته شده به طوری که معتاد به الکل است که بعدها به عنوان کاپیتان در نیروهای سلطنتی سوارکاران بریتانیا خدمت می‌کند. «آن» با بازی «امیلی ففرن»، تنها دختر خاندان «گینس»، زنی باهوش و واقع‌گراست که سعی می‌کند همه برادران را متحد کند. کارگردان مجموعه در زمینه شخصیت‌پردازی‌ها بسیار پخته عمل کرده و لایه‌های درونی و ابعاد روانی هر کدام را به تصویر درآورده است. در این میان کاراکتر «رفرتی» به عنوان کارچاق‌کن خاندان «گینس» به نظر تخیلی می‌آید و اگر هم چنین فردی وجود داشته، سازنده این شخصیت را به شکلی اغراق‌گونه نمایش داده است. در زمینه تصویرسازی و طراحی بصری باید گفت که «خاندان گینس» تلاش زیادی کرده تا فضای قرن نوزدهم دوبلین را بازسازی کند. طراحی لباس، طراحی صحنه و لوکیشن‌هایی در شمال غرب انگلستان و ولز به خوبی از آب درآمده است با این حال منتقدان ایرلندی بر این باورند که سریال تنها نمایشی کلیشه‌ای از تاریخ ایرلند و استبداد مستعمراتی دارد. برخی شخصیت‌ها یا سازمان‌ها مانند انجمن برادری چنان به شکل اغراق‌آمیز یا نمادین نمایش داده شده‌اند که برای برخی مخاطبان باورپذیر نیست. نسل بجا مانده از خاندان «گینس» نیز مدعی است که شخصیت‌ها به شدت تخیلی بازتعریف شده‌اند و احترام کافی به واقعیت تاریخی گذاشته نشده است. همچنین برخی از منتقدان معتقدند که موسیقی مدرن باعث قربانی شدن اصالت اثر شده است. اما مهم‌ترین ایرادی که می‌توان به این سریال گرفت، گویش نادرست ایرلندی است که بیشتر تقلیدی است تا واقعیت و حس مصنوعی را القا می‌کند. در نهایت سریال «خاندان گینس» مجموعه چشم‌نوازی است که با المان‌های بصری، مخاطب را به دنبال خود می‌کشاند هر چند که منتقدان بر این باورند که به این مجموعه نمی‌توان به عنوان یک سند تاریخی دقیقی نگاه کرد. بعد از پایان فصل اول، تبلیکس رسماً ساخت فصل دوم آن را تأیید کرد.



بازار سهام

در آستانه‌فتح

بازار سهام چگونه با رشد مواجه شد؟

نسربین خدادادی

گروه اقتصاد

روز چهارشنبه تالار شیشه‌ای سهام شاهد نوسان بالایی نامرگ‌ها بود. با این حال پرونده بورس تهران در آخرین هفته مهرماه هم مثبت بسته شد. شاخص کل بورس در این هفته با ثبت رشد ۵۴/۳ درصد، توانست بالای کانال ۳ میلیون واحد بایستد.
نماگر هموزن نیز با تجربه رشد ۴۵/۳ درصد همراه شد و در نهایت به یک قدمی فتح سطح مهم ۹۰۰ هزار واحد رسید. شاخص‌های سهامی در جریان معاملات روز چهارشنبه توانستند بر فشار عرضه شکل گرفته در میانه بازار غلبه کنند و در نهایت دیروز را با سبزپوشی به پایان رساندند.
در انتهای روز چهارشنبه، نماگر اصلی تالار شیشه‌ای با ثبت رشد ۰/۹ درصد (معادل ۲۷ هزار واحد) به سطح ۳ میلیون و ۷۹ هزار واحد رسید.
نماگر هم‌وزن با تجربه صعود ۷۳/۰ درصد به یک قدمی سطح ۹۰۰هزار واحد رسید. در جریان معاملات دیروز مبلغی به میزان یک هزار و ۸۸ میلیارد تومان پول حقیقی وارد تالار شیشه‌ای شد.

حجم معاملات دیروز بازار سهام به ۳۲ میلیارد سهم رسید و ارزش معاملات کل بورس معادل ۱۳،۶۹۴.۴ میلیارد تومان ثبت شد. بررسی سرانه خرید و فروش نشان می‌دهد که به طور میانگین هر کد حقیقی و حقوقی ۸۹.۵ میلیون تومان خرید و ۸۲ میلیون تومان فروش انجام داده است. نسبت قدرت خرید به فروش معادل ۱.۰۹ بود که نشان‌دهنده برتری سمت تقاضا بر عرضه است. ورود نقدینگی حقیقی به بازار سهام دیروز در حالی ۱۰۹۰ میلیارد تومان ثبت شد که در نیمه اول زمان معاملات، خروج پول کم حجمی را شاهد بودیم اما این وضعیت به سرعت تغییر کرد. این میزان ورود پول به بازار، عامل اصلی رشد شاخص‌ها و افزایش امید معامله‌گران به روند مثبت بورس بود. با وجود رشد شاخص‌ها، صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت دیروز شاهد خروج ۳۱۲ میلیارد تومان نقدینگی بودند. این موضوع نشان می‌دهد، بخشی از سرمایه‌ها از بازار کم‌ریسک درآمد ثابت به سمت سهام و صندوق‌های سهامی منتقل شده و نقش مهمی در افزایش تقاضا و حرکت مثبت شاخص‌ها ایفا کرده است. تمایل سرمایه‌گذاران به پذیرش ریسک بیشتر و ورود به بازار سهام، روندی است که می‌تواند در روزهای آینده نیز ادامه داشته باشد و بازار را تحت تأثیر قرار دهد. دیروز تعداد نمادهای مثبت به ۵۹۹ رسید، در حالی که ۱۹۶ نماد کاهش قیمت داشتند. این تفاوت قابل توجه میان نمادهای سبز و قرمز نشان‌دهنده، تعادل نسبی بازار و افزایش اعتماد معامله‌گران به جریان صعودی است. همچنین ارزش سفارش‌های خرید و فروش دیروز با برتری چشمگیر خرید نسبت به فروش همراه بود؛ در دقیقه پایانی معاملات، ارزش کل سفارش‌های خرید معادل ۱،۵۸۲ میلیارد تومان و سفارش‌های فروش ۷۰۷ میلیارد تومان ثبت شد. نسبت تقریبی ۲.۲ برابری خرید به فروش، نشان‌دهنده برتری تقاضا و افزایش تمایل سرمایه‌گذاران به خرید سهام در بازار است.

بررسی تعداد صف‌های خرید و فروش نیز شرایط مثبت بازار را تایید می‌کند. دیروز ۲۴۷ نماد صف خرید و تنها ۴۲ نماد صف فروش داشتند. افزایش قابل توجه تعداد صف‌های خرید نسبت به فروش، نشانه افزایش اعتماد و انتظارات مثبت نسبت به آینده سهام شرکت‌هاست و می‌تواند، ادامه روند صعودی شاخص‌ها را تقویت کند. این وضعیت همچنین نمایانگر فعالیت بالای سرمایه‌گذاران و ورود پول به بازار است که شاخص کل و شاخص هم‌وزن را به محدوده‌های بالاتر هدایت کرده است. به طور کلی، معاملات دیروز بورس تهران روندی مثبت داشت و شاخص‌ها در مدار صعودی قرار گرفتند. ورود نقدینگی به بازار سهام، برتری تقاضا نسبت به عرضه و افزایش تعداد صفوف خرید همگی بیانگر افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و تمایل آنها به سرمایه‌گذاری در بازار سهام است. دلار در بازار آزاد، معاملات روز گذشته را در سطح ۱۰۷ هزار و ۸۰۰ تومان به پایان رساند. در روز جاری، معاملات اسکناَس آمریکایی در سطح ۱۰۷ هزار و ۶۰۰ تومان آغاز شد و شاخص ارزی به نوسان خود در کانال ۱۰۷ هزار تومان ادامه داد. در بازار فیزیکی طلا و سکه نیز تحت تأثیر کاهش بهای اونس طلا در بازار جهانی قیمت‌ها شیب نزولی داشتند. هر گرم طلای ۱۸ عیار در معاملات دیروز به کانال ۱۰ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان عقب‌نشینی کرد و سکه امامی هم در کانال ۱۱۲ میلیون تومان مورد معامله قرار گرفت.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

اقتصاد دوچرخه

آیا دوچرخه می‌تواند از ترافیک بکاهد؟

مهتا معرفت

مترجم

درحالی که دهه‌ها، برنامه‌ریزان شهری رؤیای خیابان‌هایی مملو از خودروهای برقی خودران را در سر می‌پروراندند، تحولات اخیر در شهرهای جهان نشان می‌دهد، قهرمان واقعی آینده حمل‌ونقل شهری نه فناوری‌های پیچیده بلکه همان وسیله ساده و قدیمی دوچرخه است. از مونترال تا پاریس و از لندن تا پکن، چرخ‌های این وسیله بی‌ادعا در حال بازتعریف مفهوم رفت‌وآمد شهری‌اند.

برای درک چرایی علاقه‌مندی مدیران شهری به دوچرخه کافی است در خیابان سنت‌دنِس مونترال بایستید و تردد را تماشا کنید. خبرنگار اکونومیست در یک پنج‌شنبه آفتابی طی ۱۵ دقیقه در ساعت شلوغی ۱۳۲ دوچرخه را شمرد که در یک مسیر به حرکت درآمده بودند؛ برخی از آنها حتی حامل کودک بودند. در همان زمان، در مسیر مجاور، تنها ۸۲ خودرو تک سرنشین و یک اتوبوس شهری سبزه‌سپر حرکت می‌کردند. اضافه شدن حتی یک خودرو دیگر می‌توانست به راهنبدان منتهی شود، در حالی که در مسیر دوچرخه‌سواری هنوز فضای خالی فراوانی وجود داشت. تنها در یک روز ماه ژوئن، بیش از ۱۴ هزار دوچرخه‌سوار از این مسیر استفاده کردند. مونترال در طول یک دهه گذشته به‌ویژه از زمان آغاز مدیریت شهردار والرِی پلانت در سال ۲۰۱۷ به یکی از پیشروترین شهرهای آمریکای شمالی در زمینه دوچرخه‌سواری تبدیل شده است. در

محله پلاتو، یک‌پنجم سفرها با دوچرخه انجام می‌شود و این رقم فاصله اندکی با سفرهای ماشینی دارد. در سراسر شهر بیش از یک‌سوم جمعیت، دست‌کم هفته‌ای یک بار دوچرخه‌سواری می‌کنند. استفاده از طرح دوچرخه اشتراکی «بیکسی» از سال ۲۰۱۹ تاکنون دو برابر شده و سال گذشته به ۱۳ میلیون سفر رسید.

رونق دوچرخه‌سواری در مونترال، نمونه‌ای از تحولی است که در بسیاری از شهرهای ثروتمند در جریان است. دوچرخه با بهره‌وری بالای انرژی، هزینه اندک و کاهش آلودگی و ترافیک، توانسته جایگزینی کارآمدتر از خودروهای برقی و تاکسی‌های خودران ارائه کند. در حالی که شرکت ویمو در آمریکا هر هفته ۲۵۰ هزار سفر با تاکسی‌های خودران انجام می‌دهد، تنها در نیویورک همین تعداد سفر با دوچرخه‌های اشتراکی در ۳ روز ثبت می‌شود.

در منطقه مالی لندن، شمار دوچرخه‌سواران اکنون دو برابر تعداد خودروهاست. در پاریس نیز تعداد دوچرخه‌سواران از رانندگان پیشی گرفته و این شهر به جمع پایتخت‌های سنتی دوچرخه‌سواری اروپا مانند آمستردام و کپنهاگ پیوسته است. در کپنهاگ نزدیک به نیمی از سفرهای کاری و

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

سعید مشهوری

مترجم

در جهانی با بیش از ۸ میلیارد نفر جمعیت، تنها حدود ۶۰ میلیون نفر- معادل ۱.۶ درصد از کل جمعیت- میلیون‌به‌شمار می‌آیند. اما همین اقلیت کوچک نزدیک به نیمی از کل ثروت جهان، یعنی حدود ۲۲۶ تریلیون دلار را در اختیار دارند. نابرابری ثروت جهانی همچنان یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های نظام اقتصادی معاصر است؛ پدیده‌ای که ریشه در دهه‌ها تمرکز سرمایه، رشد بازارهای مالی و انباشت دارایی‌های غیرمولد دارد.

بر اساس آخرین گزارش‌های ثروت جهانی مؤسسات مالی بزرگ مانند UBS و Credit Suisse طی ده دهه گذشته شمار میلیونرها تقریباً ۴ برابر شده است. رشد بازار سهام، افزایش

تحصیلی با دوچرخه انجام می‌شود. حتی پکن که روزگاری دوچرخه‌سوارانش از خیابان‌ها رانده شده بودند، دوباره شاهد بازگشت آنان است؛ البته این بار با دوچرخه‌های مدرن برقی به جای مدل‌های قدیمی «کبوتر پرنده».

در کشورهای در حال توسعه نیز دوچرخه‌های برقی محبوبیت فزاینده‌ای یافته‌اند. در داکا، ریکشاهای برقی به‌سرعت جایگزین مدل‌های بنزینی می‌شوند و در شرق آفریقا، موتورسیکلت‌های برقی سهم بزرگی از حمل‌ونقل شهری را به خود اختصاص داده‌اند.

کوئید-۱۹ نخستین عامل «زنسانس دوچرخه» بود. با گسترش بیماری، مردم برای رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی و پرهیز از حمل‌ونقل عمومی به دوچرخه روی آوردند. فروش دوچرخه در سراسر جهان جهش یافت؛ در آمریکا ۱۸ درصد از پاسخ‌دهندگان یک نظرسنجی اعلام کردند، دوچرخه خریده‌اند



و برای بسیاری از آنان این نخستین بار بود. بین تابستان ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ تعداد سفرهای هفتگی با دوچرخه به‌طور میانگین ۱۶ درصد افزایش یافت. در تکیو ۲۳ درصد از صاحبان کسبوکار برای فرار از ازدحام قطارها با دوچرخه به محل کار می‌رفتند. عامل دوم، پیشرفت فناوری باتری و گسترش دوچرخه‌های برقی بود که سواری را آسان‌تر، سریع‌تر و لذت‌بخش‌تر کرد. این وسایل با کمک به پدال‌زنی، امکان دوچرخه‌سواری را برای افراد بیشتری فراهم کرد. کارمندان می‌توانستند بدون عرق کردن به محل کار برسند و والدین به راحتی فرزندان یا خریدهای خود را جابه‌جا کنند. در بسیاری از شهرها، دوچرخه‌های برقی عامل اصلی رشد طرح‌های اشتراکی بوده‌اند؛ برای نمونه در شیکاگو، دوچرخه‌های برقی سامانه Divvy حدود ۷۰ درصد بیشتر از دوچرخه‌های معمولی استفاده می‌شوند حتی با وجود هزینه بالاتر.

اما هیچ‌یک از این تحولات بدون ایجاد زیرساخت‌های ایمن و مناسب ممکن نبود. در میانه قرن بیستم، افزایش خودروها دوچرخه‌سواری را به فعالیتی خطرناک تبدیل کرد. تنها در سال ۱۹۵۰ بیش از ۸۰۰ دوچرخه‌سوار در بریتانیا جان باختند. با این حال ایجاد خطوط ویژه دوچرخه در دهه‌های اخیر مسیر

را عوض کرد. این خطوط نه‌تنها خطر برخورد با خودروها را کاهش می‌دهند بلکه احساس امنیت را در میان شهروندان تقویت می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد هر جا دوچرخه‌سواران احساس امنیت بیشتری داشته باشند، تعدادشان افزایش می‌یابد. مزیت دیگر، هزینه پایین ساخت این زیرساخت‌هاست؛ خطوط ویژه دوچرخه در مقایسه با مترو یا بزرگراه‌ها بسیار ارزان‌ترند و به شهرداری‌ها اجازه می‌دهند همزمان با کاهش ترافیک، هزینه‌های خود را نیز کاهش دهند. تجربه مادلین گیبه، مادر ۳۷ ساله اهل مونترال، بازناتب همین تغییر است. او می‌گوید: «هرگز در شهر دوچرخه‌سواری نکرده بودم اما پس از ساخت خطوط ویژه، ماشین دوم‌مان را فروختیم. حالا هر روز با دوچرخه، بچه‌ها را به مدرسه می‌برم و خودم به محل کار می‌روم».

والری پلانت، شهردار مونترال با محدود کردن برخی خیابان‌ها و حذف جای پارک‌ها تلاش کرده، تعادل تازه‌ای بین کاربران خیابان ایجاد کند. او می‌گوید: «هدف ما حذف خودروها نیست بلکه کاهش سرعت آنها و ایمن‌تر کردن فضا برای همه است.» نتیجه نیز قابل‌توجه بوده؛ وترین مغازه‌های خیابان سنت‌دنِس پس از اجرای طرح دوچرخه‌سواری دو برابر شلوغ‌تر شده‌اند.

با این حال، گسترش خطوط دوچرخه‌سواری همیشه با مخالفت روبرو است. در مونترال با وجود اینکه این خطوط تنها ۲ درصد از فضای خیابان‌ها را اشغال می‌کنند به یکی از محورهای اصلی رقابت انتخاباتی تبدیل شده‌اند. در کشورهای دیگر نیز بحث «جنگ علیه خودروها» میان سیاستمداران راست‌گرا و حامیان محیط زیست بالا گرفته است. از تورنتو تا لندن و حتی برلین، تصمیم برای گسترش یا حذف خطوط دوچرخه به مساله‌ای سیاسی بدل شده است.

دوچرخه‌های برقی نیز بی‌دردسر نیستند. وزن بیشتر و سرعت بالاتر آنها خطر تصادف را افزایش داده و نرخ مرگ‌ومیر دوچرخه‌سواران در کشورهایی مانند هلند را به بالاترین سطح رسانده است. در برخی مناطق آمریکا، استفاده نوجوانان از این وسایل ممنوع شده و پلیس شهرهایی مانند نیویورک برای کنترل دوچرخه‌های غیرمجاز اقدام به بازداشت‌های گسترده کرده است.

با این وجود، حرکت جهانی به سمت دوچرخه‌سواری دیگر متوقف‌شدنی نیست. در شهرهایی که این فرهنگ نهادینه شده، بازگشت به خیابان‌های مملو از خودرو امری غیر قابل تصور است. از نخست‌وزیر سابق هلند تا پادشاه دانمارک، چهره‌های سیاسی و اجتماعی بسیاری دوچرخه را انتخاب کرده‌اند. شاید راهنبدان دوچرخه‌ای پاریس و مونترال چالشی تازه باشد اما اگر قرار است شهرهای آینده سالم‌تر، آرام‌تر و انسانی‌تر باشند این دقیقاً همان نوع ترافیکی است که باید آرزویش را داشت.

منبع: اکونومیست

ملی نیز موجب شده است تا توان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری طبقه متوسط کاهش یابد.

یکی از ویژگی‌های قابل توجه در توزیع ثروت جهانی، تمرکز بالای دارایی در میان ثروتمندان بالای هرم است. تنها یک درصد از جمعیت جهان بیش از ۴۵ درصد از ثروت را در اختیار دارد، در حالی که نیمی از مردم جهان کمتر از ۱ درصد دارایی‌ها را دارند. این نابرابری نه‌تنها پیامدهای اقتصادی بلکه آثار اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای به‌همراه دارد؛ از افزایش فاصله طبقاتی گرفته تا تشدید بی‌اعتمادی عمومی به نظام اقتصادی و مالی جهانی. با این حال ترکیب میلیونرها در حال تغییر است. میلیونرهای «نوظهور» در اقتصادهای آسیایی و بازارهای دیجیتال، سهم فزاینده‌ای از ثروت جدید را تشکیل می‌دهند. در هند، اندونزی و ویتنام، رشد سریع طبقه متوسط و رونق بازار فناوری، زمینه‌ساز افزایش سریع تعداد افراد با دارایی بیش از یک میلیون دلار شده است.

گزارش UBS پیش‌بینی می‌کند تا سال ۲۰۲۹ شمار میلیونرهای جهان از ۶۰ میلیون نفر فعلی به حدود ۸۵ میلیون نفر برسد و در همین مدت، حجم کل ثروت جهانی از مرز ۵۰۰ تریلیون دلار عبور کند. این رشد البته الزاما به معنای بهبود عدالت اقتصادی نیست؛ چراکه بخش اعظم این افزایش در دست گروه محدودی از سرمایه‌گذاران، صاحبان دارایی‌های ملکی و سهام‌داران بزرگ متمرکز خواهد ماند.

دیگر آبی نمانده

اصفهان تا ۴۵ روز دیگر
برای تامین آب شرب با بحران مواجه می شود

گروه اجتماعی: محمد نورصالحی، رئیس شورای شهر اصفهان، نسبت به کاهش شدید ذخایر زایندهرود هشدار داده و گفته است اگر روند کنونی ادامه یابد تا ۴۵ روز آینده تامین آب شرب شهروندان با مشکل مواجه می شود. او عنوان کرده که ورودی آب به سد در حال حاضر حدود ۶ مترمکعب بر ثانیه و خروجی آن ۲۸ تا ۳۰ مترمکعب بر ثانیه است. برای اینکه حداقل ۱۲ مترمکعب بر ثانیه آب به تصفیه خانه برسد باید حدود ۳۰ مترمکعب بر ثانیه از سد رها شود اما بین ۱۵ تا ۱۸ مترمکعب در مسیر برداشت می شود. طبق گزارش های رسمی، ذخیره سد زایندهرود در پایان مهرماه به حدود ۱۵۱ میلیون مترمکعب رسیده است، معادل ۱۱ درصد از ظرفیت سد. مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان اعلام کرده که این میزان نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۴۰ درصد و نسبت به میانگین بلندمدت ۷۶ درصد کاهش یافته است. شرکت آب منطقه ای اصفهان نیز تأیید می کند که تنها ۱۱ درصد از ظرفیت یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون مترمکعبی سد پر است و نیروگاه سد به دلیل کمبود آب از مدار خارج شده است. این کاهش شدید ذخیره، نتیجه ترکیبی از کاهش بارش و برداشت های بی رویه است. بارش در ایستگاه چلگرد که مهم ترین منبع تغذیه زایندهرود است تا پایان شهر یور ۹۷۰ میلی متر ثبت شد، در حالی که این رقم سال گذشته ۱۱۵۹ میلی متر و میانگین بلندمدت ۱۳۸۳ میلی متر بوده است. این به معنای کاهش ۱۶ درصدی نسبت به سال قبل و ۳۰ درصدی نسبت به میانگین بلندمدت است. همچنین سطح آب سد نسبت به سال گذشته بیش از ۷ متر کاهش یافته که این سال آبی را به یکی از بحرانی ترین سال ها تبدیل کرده است.

حاشیه

دردسر پژمان

سازندگی شایعات پیرامون پژمان جمشیدی را بررسی می کند



فانزه مومنی

گروه اجتماعی

در روزهای پایانی مهرماه خبری تکان دهنده، فضای رسانه ای و شبکه های اجتماعی ایران را قبضه کرد: بازداشت پژمان جمشیدی، سوپرستار کمدی و فوتبالیست سابق به اتهام «تجاوز»، ماجرا با شکایت دختری حدود ۲۰ ساله آغاز شد. او هنرجوی بازیگری بود و رؤیای بازی در سینما را در سر داشت. در روایتش می گوید در یکی از پروژه های کاری با پژمان جمشیدی آشنا شد و او وعده داد که می تواند وی را وارد پروژه ای سینمایی کند. چند شب بعد به بهانه رساندن او تا مقصد، سوار ماشینش شد اما مسیر تغییر کرد و به گفته دختر، التماس هایش برای پیاده شدن مؤثر نبود. جمشیدی او را به خانه اش برد، دست و پایش را بست و به او تجاوز کرد. پس از این حادثه، دختر به پلیس آگاهی تهران مراجعه و شکایتش را ثبت کرد. پرونده به دلیل دو اتهام متفاوت در دو مرجع قضایی پیگیری شد: آدم ربایی توسط دادسرای جنایی تهران و تجاوز به عنف توسط دادگاه کیفری یک استان تهران. این دوگانگی نشان می داد که پرونده ابعاد پیچیده ای دارد؛ هم ادعای سوء استفاده از موقعیت و هم ربودن و بردن شاکای به خانه شخصی مطرح بود. پس از تشکیل پرونده، مقام قضایی برای جمشیدی احضاریه صادر کرد. طبق اعلام پلیس تهران، او در دادگاه حضور یافت و پس از تفهیم اتهام، قاضی قرار وثیقه او را به قرار بازداشت موقت تبدیل کرد به همین دلیل روانه زندان قزل حصار شد. سخنگوی پلیس تهران تأکید کرد که نیروهای انتظامی هیچ دخالتی در بازداشت نداشتند؛ این اقدام صرفاً به دستور مقام قضایی انجام شده و متهم در اختیار مرجع قضایی است. مطابق ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی، جرایمی مانند تجاوز، در صورت اثبات، می تواند حکم اعدام داشته باشد؛ بنابراین قانونگذار بازداشت اولیه متهم را الزامی می داند. حقوقدان «شیم قوشه» توضیح می دهد که صدور چنین قرارری به این معناست که قاضی تا این مرحله قانع شده که مدارک ارائه شده، وجاهت دارد. او یادآوری می کند که اثبات تجاوز بدون مدارک پزشکی و شهود بسیار دشوار است و قربانی باید بلافاصله به پزشکی قانونی مراجعه کند تا شواهد ژنتیک ثبت شود. با این حال در قوانین ایران، انتشار نام و اتهام متهم تا قبل از صدور حکم قطعی جرم محسوب می شود. محسن برهانی، حقوقدان یادآوری کرده است که بر اساس ماده ۹۱

نیاز مصرفی و کسری تولید

مسئولان آبیای اصفهان اعلام کردند که نیاز آب آشامیدنی استان در دوره های اوج مصرف حدود ۲۱/۸ مترمکعب بر ثانیه است اما توان تولید فعلی ۱۸/۲ مترمکعب بر ثانیه برآورد می شود؛ بنابراین ۲/۹ مترمکعب کمبود آب آشامیدنی وجود دارد. در محدوده سامانه آبرسانی اصفهان بزرگ این کمبود به ۳/۴ مترمکعب بر ثانیه می رسد. این کمبود باعث نگرانی از کاهش فشار آب یا قطع موقت در روزهای پیک مصرف شده و مسئولان از مردم خواسته اند در پویش «اصفهان منهای ۲۰» هر نفر ۲۰ لیتر از مصرف روزانه خود را کاهش دهد.

تبغات زیست محیطی و اجتماعی

خشکی زایندهرود و برداشت بی رویه از منابع زیرزمینی نه تنها آب شرب بلکه محیط زیست را نیز تهدید کرده است. نورصالحی یادآوری می شود که زایندهرود در چهار سال گذشته مجموعاً تنها ۱۷۶ روز آب داشته و همین امر به برداشت گسترده از منابع آب زیرزمینی و فرونشست زمین انجامیده است. او تخمین می زند که دشت اصفهان حدود ۱۲ میلیارد مترمکعب از منابع آب زیرزمینی خود را از دست داده که به فرونشست و تخلیه مدارس در شمال شهر منجر شده است. گزارش های دیگر در برخی مناطق استان را بین ۱۵ تا ۱۸ سانتی متر در سال ارزیابی می کند. استاندار اصفهان می گوید، پهنه های معمول فرونشست حدود ۱۰۰ هزار هکتار است و پهنه های با نرخ بالا ۲۰۶ هزار هکتار را پوشش می دهد، در حالی که مناطقی با بالاترین نرخ حدود ۳،۵۰۰ هکتار هستند. نوار شمالی شهر (دولت آباد، حبیب آباد، شرق دستگرد و...)

بیشترین درگیری را دارد. این فرونشست بناهای تاریخی، منازل مسکونی، مساجد و مدارس را تهدید می کند. او در آخرین اظهار نظر خود وجود ۲۲ تا ۲۳ هزار اثر تاریخی در استان و قرار داشتن بسیاری از آنها در پهنه های فرونشستی را یادآور شده است.

سوء مدیریت دامنه دار

یکی از عوامل تشدید بحران، برداشت های غیرمجاز و بی برنامه از زایندهرود است. شورای شهر اصفهان خواستار توقف برداشت های غیرشرب، به ویژه در بخش های کشاورزی و صنعتی، شده است. نورصالحی به تومار تاریخی شیخ بهایی-سند تقسیم آب زایندهرود در سده یازدهم هجری-استناد می کند که براساس آن هر شهر و روستا، حتی خود رودخانه و تالاب گاوخونی، حقا به مشخصی دارد. از نظر او، رعایت این حقا به ها و توقف برداشت های غیرقانونی می تواند، مانع تشدید بحران شود. در حوزه کشاورزی، مسئولان محلی بر ضرورت تغییر الگوی کشت تأکید دارند. کشت های پرآب (مانند برنج) باید کنار گذاشته و به کشت های کم آب و گلخانه ای تبدیل شود. همچنین برخی کارشناسان پیشنهاد می کنند، صنایع آب بر به مناطق دیگر انتقال یابند اما این موضوع نیازمند برنامه ریزی ملی است.

پرهیز از قضاوت زودهنگام و احترام به روند قضایی تأکید داشتند. امین رضا چلیبانلو، تهیه کننده فیلم «قسط نظیه» بیانیه ای منتشر کرد و گفت: «تا این لحظه هیچ اتهامی علیه آقای جمشیدی به اثبات نرسیده و تمامی موضوعات صرفاً ادعاست. ایشان به جهت احترام به قانون شخصاً در روند رسیدگی حضور یافته و پس از روشن شدن اصل ماجرا، اطلاعات لازم توسط وکلا اعلام خواهد شد». این متن توسط هنرمندان دیگری مثل بیژن پنبشه خواه، سیما تیرانداز و نعیمه نظام دوست باز نشر شد. نوبشا ضیغمی، بازیگر سینما در استوری خود نوشت: «ججوری میشه از حال بد و اتفاق بدی که برای دیگران میفته خوشحال شد؟» او تلو یحاً مخاطبان را از ابراز شادی در مورد این خبر نهی کرد. فرزاد حسینی، مجری و بازیگر با لحنی تندر ت نوشت: «نکنید! آبروی یک انسان رو نبرید!... آنقدر با ولع از زمین خوردن یک نفر حرف نزنید! این دنیای بی ارزش رو آلوده تر نکنید!». این سخنان حکایت از نگرانی او درباره فضای بی رحم مجازی داشت. البته این رویکرد از سوی برخی فعالان حقوق زنان و روزنامه نگاران مورد انتقاد قرار گرفت: آنها معتقدند که فضای مردسالار هنر و ورزش تمایل دارد، قربانی را نادیده بگیرد.

واکنش های مردمی؛ دو جبهه مخالف و موافق

در بخش نظرات سایتهای خبری و شبکه های اجتماعی، کاربران به دو گروه عمده تقسیم شدند. گروهی با استناد به شهرت جمشیدی می گفتند، کسی در موقعیت او نیازی به اعمال زور برای رابطه ندارد و احتمال می دادند، شاکای برای اخاذی دست به چنین ادعایی زده باشد. در مقابل، گروهی دیگر تأکید داشتند که دستگاه قضایی ایران به سادگی دستور بازداشت برای یک چهره مشهور را صادر نمی کند مگر اینکه دلایل و مدارک محکمی وجود داشته باشد بنابراین باید از قربانی حمایت کرد و منتظر رأی دادگاه ماند. برخی از زنان در شبکه های اجتماعی یادآوری کردند که در جامعه ای که قوانین و نگاه زن سستیز است، شاکای با طرح چنین شکایتی، فشارهای زیادی را متحمل می شود و بعید است کسی برای سرگرمی یا اخاذی چنین ریسکی بکند. در کنار طرفداران جمشیدی، گروهی از فعالان حقوق زنان یادآوری کردند که موضوع اصلی «رضایت یا عدم رضایت» در روابط است و نباید با استناد به شایعات، قربانی را مقصر جلوه داد. آنها تأکید کردند که «نه یعنی نه» و حتی اگر زنی با میل خود وارد رابطه ای شده باشد، همیشه حق دارد در هر لحظه ای تخیر بگوید. با این حال گاهی رابطه های نامشروع بین دو طرف به دلایلی دیگر به شکایت منجر می شود و برخی زنان برای انتقام یا اخاذی فیلم و عکس تهیه می کنند. در عین حال اما تجاوز، جرم بزرگی است و اگر اثبات شود باید شدیدترین مجازات برای متهم اعمال شود.

نقد به پروژه های انتقال آب

دولت برای تامین آب صنایع بزرگ، پروژه انتقال آب دریای عمان را اجرا کرده است. استاندار اصفهان اعلام کرده که فاز نخست این پروژه-شامل خط لوله ای حدود ۸۰۰ کیلومتر و شیرین سازی آب-تکمیل شده و امکان انتقال ۷۰ میلیون مترمکعب آب به اصفهان فراهم شده است. او گفته که این آب ابتدا به پالایشگاه و صنایع شمال استان سپس به فولاد مبارکه و سایر صنایع جنوبی خواهد رسید. در مرحله دوم، انتقال ۴۰۰ میلیون مترمکعب آب دیگر پیش بینی شده است. این طرح با دو نقد عمده مواجه است: نخست، هزینه بالای تامین هر مترمکعب آب شور و انتقال آن به فلات مرکزی که به گفته کارشناسان بین دو تا سه یورو است؛ دوم، پیامدهای زیست محیطی برای سواحل دریای عمان و نیز نگرانی از ایجاد توسعه جدید صنایع آب بر در استان. استاندار تصریح کرده که آب منتقل شده صرفاً برای صنایع موجود است و قرار نیست به توسعه جدید منجر شود. با این حال منتقدان معتقدند که اتکا به آب دریا بدون اصلاح مصرف و مقابله با برداشت های غیرقانونی، بحران را پایدار نخواهد کرد. طرح های دیگر مانند تونل کوهرنگ ۳ و پروژه «ماندگان» نیز سال ها است در مراحل اجرا معطل مانده اند. نورصالحی تأکید می کند که اگر این طرح ها به موقع اجرا می شدند، وضعیت امروز تا این حد بحرانی نبود. به باور کارشناسان، اجرای این طرح ها باید همراه با اصلاح الگوی مصرف در تمام بخش ها باشد.

گزارش ویژه

آغاز پویش ساخت و نوسازی مدارس با مشارکت همراه اول

همراه اول در راستای مسوولیت اجتماعی و حمایت از آموزش، کد دستوری «ستاره ۲۴ مربع» و سرشماره پیامکی «۵۰۰۰۱۲۲۴» را برای مشارکت مشتریان خود در امر ساخت و نوسازی مدارس اختصاص داد. به گزارش مرکز ارتباطات، توسعه برند و رویدادهای بین المللی، نخستین و بزرگترین اپراتور تلفن همراه کشور در راستای ایفای مسوولیت های اجتماعی خود با راه اندازی کد دستوری اختصاصی «#۲۴۲۴» به پویش ملی «به سباز مدرسه؛ بساز مدرسه» پیوست تا زمینه مشارکت آسان تمامی مشتریان در نهضت مدرسه سازی را فراهم کند.

این پویش ملی که با حضور مسعود پزشکیان، رئیس جمهور کشورمان در جشنواره خیرین مدرسه ساز اصفهان رونمایی شد، رسماً آغاز به کار کرد.

رئیس جمهور کشورمان ضمن اعلام پیوستن به این حرکت ارزشمند، یک ماه از حقوق خود را به این طرح اختصاص داد همچنین اعلام کرد که ماهانه ۵ میلیون تومان از حقوق خود را به حساب این پویش واریز خواهد کرد تا در ساخت و تجهیز مدارس کشور سهمی داشته باشد.

در این مراسم، حمیدرضا خان محمدی رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور نیز با قدردانی از همراهی مردم و نهادهای مسوولیت پذیر اظهار کرده بود که این پویش، فرصتی ملی برای ساخت آینده فرزندان ایران است و هر ایرانی می تواند به اندازه توان خود در این مسیر سهیم شود.

به گفته وی، در این طرح راه های متعددی برای مشارکت مردمی از جمله ارسال عدد ۱ به شماره ۵۰۰۰۱۲۲۴، شماره گیری کد دستوری *۲۴۴# از طریق تلفن همراه یا مراجعه به سایت رسمی این پویش به نشانی www.besazmadrese.ir پیش بینی شده است. گفتنی است، پویش «بساز مدرسه» به همت جامعه خیرین مدرسه ساز کشور و سازمان نوسازی مدارس شکل گرفته و بستری است برای آنکه هر ایرانی از طریق مشارکت نقدی، غیرنقدی یا حتی سفیر شدن در پروژه ها، گامی در ساخت آینده ای روشن برای کودکان این سرزمین بردارد.

